

زیر پوست «بلبشو» در ساخت‌وساز

صفحه ۸



روزنامه

www.marzeghtesad.ir

درز اقتصاد

روزنامه سراسری اقتصادی، اجتماعی

یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۴

۲۳ صفر ۱۴۴۷ | ۱۷ آگوست ۲۰۲۵

شماره ۷۴۱

۸۰۰۰ تومان

رکود ۱۴ ماهه صنعت خودرو



هوش مصنوعی به دولت آمد

روز گذشته معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری از دستیارهای هوش مصنوعی ۱۳ دستگاه اجرایی....

صفحه ۶

همه نارضی از چرخه نان

مداخله گسترده دولت، باعث انحراف در بازار نان شده است. کشاورزان از قیمت و روند خرید تضمینی گندم...

صفحه ۴

سه مانع در برابر ابزار پولی

به نظر می رسد بر خلاف سایر کشورها که این نرخ نشان دهنده سیاست گذاری ها و اهداف...

صفحه ۲

رکود ۱۴ ماهه صنعت خودرو

کریم حسن پور - صنعت خودرو چهاردهمین ماه متوالی رکود را سپری کرد. شامخ تیر ماه وسایل نقلیه و قطعات وابسته اگر چه نسبت به خرداد اندکی بهبود یافته، اما همچنان پایین تر از مرز ۵۰ است و در وضعیت رکودی قرار دارد.

بر این اساس خودروسازان در تیرماه ۵۵ هزار و ۱۱۷ دستگاه خودروی سواری تولید کرده‌اند، این در شرایطی است که این رقم در خرداد ماه به ۵۱ هزار و ۲۲۵ دستگاه می‌رسید. بنابراین تولید ماهانه خودروسازان طی چهارمین ماه از سال سه هزار و ۳۹۲ دستگاه معادل ۶٫۵ درصد افزایش یافته است. البته این آمار تنها مربوط به خودروی سواری سه خودروساز بزرگ کشور است، بنابراین احتمال دارد در تولید انواع خودرو آمار حتی افزایشی نباشد.

شاخص «میزان سفارش‌های جدید» در چهارمین ماه از سال نیز وضعیت مشابهی داشته است. این شاخص که در خرداد به ۲۰٫۴ واحد رسیده بود در تیرماه روی ۳۹ واحد ایستاد تا ۱۸٫۶ واحد رشد را به نام خود ثبت کند. افت سرعت کاهش ثبت‌سفارش‌های جدید می‌تواند به علت طرح فروش ایران‌خودرو باشد که در تیرماه اجرایی شد. «سرعت انجام و تحویل سفارش» نیز عدد مشابهی را تجربه کرده است. به طوری که این فاکتور در شامخ تیر ماه روی ۳۹ واحد ایستاده، در خرداد اما این شاخص به ۲۹٫۶ واحد رسیده بود، بر این اساس در بازه زمانی مورد بررسی این فاکتور رشد ۹٫۴ واحدی داشته است.

تقریباً همین روند را نیز می‌توان در فاکتور «میزان فروش محصولات» خودروسازان مشاهده کرد. رقم ثبت شده برای این شاخص در شامخ تیرماه خودرو، ۳۷٫۹ واحد است، این در شرایطی است که در آخرین ماه از بهار این رقم به ۲۰ واحد رسیده بود. بنابراین در این مدت زمان شاهد رشد ۱۷٫۹ واحد در این فاکتور بوده‌ایم. با این حال این رقم همچنان فاصله قابل‌توجهی تا مرز ۵۰ دارد که نشان از افت فروش خودروسازان دارد اما از سرعت این افت کاسته شده است. طبق آمار ثبت شده در کدال، سه خودروساز بزرگ کشور در تیرماه ۵۳ هزار و ۳۸۴ دستگاه خودروی سواری را به فروش رسانده‌اند. این رقم در ماه پیش از آن ۵۳ هزار و ۹۲۵ دستگاه بوده است. بنابراین در این ماه خودروسازان داخلی با افت یک درصدی در فروش خود مواجه بودند.

علاوه بر این خودروسازان و فعالان صنعت قطعه برای تامین مواد اولیه تحت فشار تورمی زیادی بوده‌اند. فاکتور «قیمت خرید مواد اولیه» در خرداد به ۷۵ واحد رسیده بود اما در تیر روی ۷۶ واحد ایستاد تا یک واحد رشد را ثبت کند، فاصله قابل‌توجه این رقم تا مرز ۵۰ نشان می‌دهند که هزینه‌های تامین مواد اولیه و قطعه برای تولیدکنندگان قطعه با سرعت بالایی رو به رشد است. همچنین موجودی مواد اولیه در انبار تولیدکنندگان خودرو و قطعه نیز رو به کاهش بوده است، گرچه این فاکتور از ۲۹٫۲ واحد در خرداد به ۴۱٫۱ واحد در تیر رسیده و ۱۱٫۹ واحد رشد را به نام خود ثبت کرده اما همچنان زیر مرز ۵۰ است که نشان می‌دهد گرچه با سرعت کمتر اما انبار خودروسازان و قطعه‌سازان در حال خالی شدن از مواد اولیه است.

خودروسازان محصولات نهایی خود در انبار را نیز کاهش داده‌اند اما سرعت این کاهش تقریباً ثابت مانده است. «موجودی محصول نهایی» در خرداد به ۴۴٫۳ واحد در خرداد به ۴۴ واحد رسیده است. بنابراین می‌توان گفت گرچه در خرداد نیز خودروسازان در حال کاهش موجودی محصول در انبار خود بودند اما این روند در تیر نیز ادامه پیدا کرده است.

اما یکی از مهم‌ترین فاکتورهای مورد بررسی شامخ، «انتظارات تولید در ماه آینده» است که به نوعی آمید فعالان صنعت نسبت به آینده را نشان می‌دهد. این شاخص در خرداد به ۳۱٫۷ واحد بود، اما در تیر به ۴۸٫۷ واحد رسیده تا افزایش ۱۷ واحدی داشته باشد. این موضوع نشان می‌دهد که خودروسازان نسبت به آینده همچنان امید چندانی ندارند.

«میزان استخدام» به کارگیری نیروی انسانی» یکی از معدود فاکتورهایی در شامخ تیر بود که با افت همراه بوده است. این شاخص ۹٫۷ واحد کاهش را ثبت کرده و از ۴۱٫۷ واحد در خردادماه به ۳۲ واحد در چهارمین ماه از سال رسیده است. این رقم زیر مرز ۵۰ است که نشان می‌دهد استخدام‌ها رو به کمتر شدن است.

«میزان صادرات» هم که در خرداد ۴۰٫۹ واحد بود، در تیر روی ۴۴٫۲ ایستاد تا رشد ۳٫۳ واحدی را ثبت کند. به دلیل قرار گرفتن این رقم زیر مرز ۵۰ می‌توان گفت صادرات در حال کاهش است. البته اطلاعات دقیقی در دست نیست که نشان دهد افت صادرات از چه محلی نشأت می‌گیرد. «صرف حامل‌های انرژی» نیز با ۱۹٫۲ واحد رشد به ۴۰٫۴ واحد رسیده است. فاکتور «قیمت محصولات تولید شده» نیز آخرین فاکتوری است که در شامخ خرداد مورد بررسی قرار می‌دهیم این شاخص روی مرز ۵۰ ایستاده است فاکتور مذکور در خرداد ۵۲٫۱ واحد ثبت شده بود. بنابراین افت ۲٫۱ واحدی داشته باشد.

نیز چندان امیدوار نیستند. امید خودروسازان به آینده که تحت عنوان «انتظارات تولید در ماه آینده» در شامخ بازتاب دارد نیز در ماه ابتدایی تابستان، به‌رغم رشد نسبت به خرداد همچنان زیر مرز ۵۰ قرار گرفته که نشان از ناامیدی فعالان صنعت نسبت به بهبود وضعیت دارد.

نگاهی به روندهای اخیر نشان می‌دهد صنعت خودرو در ماه‌های آینده نیز چشم‌انداز روشنی برای خروج از رکود نخواهد داشت؛ چراکه ظاهراً تمام عواملی که پیش‌تر به‌عنوان موانع بهبود این صنعت از آنها یاد می‌شد، همچنان پابرجاست. یکی از این موارد تعطیلی دوباره خطوط تولید بود. درحالی‌که خودروسازان در اوج جنگ خطوط تولید را تعطیل کردند، در مردادماه بار دیگر به بهانه تعمیر و بازسازی ماشین‌آلات، تولید برای یک هفته متوقف شد؛ رخدادی که می‌تواند رکود موجود در این صنعت را عمیق‌تر کند.

از سوی دیگر، مشکلات ارزی که از ابتدای سال گریبان‌واردکنندگان را گرفته بود، همچنان ادامه دارد.

خودروسازان و قطعه‌سازان از همان آغاز سال با دشواری جدی در تامین ارز مورد نیاز خود مواجه بودند، اما اکنون با گذشت نزدیک به پنج ماه از سال، مشکلات تامین ارزی همچنان به قوت خود باقی است. اتاق بازرگانی ایران، به عنوان مرجع انتشار شامخ، این شاخص تولیدی را این‌طور توصیف می‌کند: «شامخ یکی از شاخص‌های اقتصادی است که مورد پذیرش بیشتر کشورهای توسعه‌یافته است. درحال‌حاضر شاخص شامخ برای حدود ۲۹ هزار بنگاه بخش خصوصی در بیش از ۴۰ کشور جهان محاسبه و منتشر می‌شود. این شاخص براساس پایش پرسش‌نامه‌ای به دست می‌آید و بیش از آنی و تصویر سریعی از شرایط اقتصاد کلان، به‌ویژه وضعیت رونق و رکود در بخش‌های صنعت و خدمات ارائه می‌دهد. درواقع شامخ تصور تولیدکنندگان از وضعیت تولیدی بوده و به‌نوعی نشان از میزان امید آنها به آینده دارد.»

فراز و فرود شامخ

از بین ۱۳ فاکتوری که در شامخ تیرماه زیر ذره‌بین قرار گرفته‌اند، ۱۰ فاکتور با رشد همراه بوده، دو فاکتور کاهش‌ی بوده و یک فاکتور نیز تقریباً ثابت مانده است. با این وجود همان‌طور که اشاره شد بیشتر این شاخص‌ها همچنان زیر مرز ۵۰ قرار دارند که نشان از بدتر شدن وضعیت آنها دارد، در واقع رقم ۴۵، مرز مهمی در شامخ محسوب می‌شود. اگر رقم ثبت‌شده کمتر از ۵۰ بوده اما نسبت به ماه قبل افزایش یافته باشد، نشان می‌دهد که سرعت بدترشدن وضعیت، کاهش یافته است. در مقابل، چنانچه عدد محاسبه‌شده بالای ۵۰، از عدد ماه قبل کمتر باشد، نشان می‌دهد سرعت بهبود وضعیت در مقایسه با ماه قبل کاهش یافته است و اگر روی ۵۰ بایستد نشان از عدم تغییر دارد. بیشترین رشد در فاکتورهای شامخ خودروسازی تیرماه مربوط به «میزان تولید محصولات» است. این فاکتور که در خردادماه روی ۱۹٫۴ واحد ایستاده بود در تیر به ۴۱٫۵ واحد رسید تا ۲۲٫۱ واحد رشد را ثبت کند، البته این رقم هنوز زیر مرز ۵۰ بوده اما نسبت به ماه قبل نظر فعالان صنعت تولید خودرو همچنان وضعیت مطلوبی ندارد. آمار تولیدی که خودروسازان به سازمان بورس ارائه داده و در سامانه کدال منتشر شده نیز از همین رشد حکایت دارد، به طوری که تولید خودروی سواری در تیرماه امسال نسبت به خرداد با کمی رشد مواجه بوده که این به دلیل تولید در کف یک‌ساله در سومین ماه از سال بوده است.

شامخ خودرو در تیرماه نشان می‌دهد که خودروسازان در این ماه نیز نتوانسته‌اند وضعیت رکودی خود را بهبود ببخشند، با این حال روند رو به بدتر شدن این صنعت در چهارمین ماه از سال کندتر شده است. روند رکودی صنعت خودرو از اردیبهشت ماه سال گذشته آغاز شد و می‌توان گفت که تیرماه چهاردهمین ماه پیاپی بود که خودروسازی در محدوده رکود قرار گرفت. شاخص مدیران خرید (شامخ) تیرماه حاکی از آن است که رکود در صنعت خودرو همچنان عمیق است، گرچه شاخص کل خودرو در این ماه نسبت به خرداد کمی بهبود یافته اما همچنان زیر مرز ۵۰ است که نشان می‌دهد وضعیت این صنعت رو به بدتر شدن می‌رود اما از سرعت این حرکت کاسته شده است. رشد محقق‌شده (در تیرماه) نیز به این علت بوده که شامخ خرداد، به کمترین میزان خود رسیده بود و حالا طبیعی است که با اندکی کاهش سرعت روندهای منفی در صنعت خودرو شاهد کمی رشد در شامخ این صنعت باشیم.

شامخ خودرو در چهارمین ماه از سال به ۳۸٫۴ واحد رسیده است که نشان از رشد ۱۰٫۸ واحدی این شاخص دارد اما در خردادماه این رقم به ۲۷٫۶ واحد رسیده بود، رقمی که این صنعت را در عمیق‌ترین وضعیت رکودی خود از زمان آغاز ثبت شامخ (سال ۹۷) تاکنون قرار داد، بنابراین رشد محقق‌شده را نباید به منزله بهبود شرایط دانست، برای روشن‌تر شدن این موضوع لازم است اشاره کنیم که بدون در نظر گرفتن خرداد، شامخ تیر خودرو نیز در کف یک‌ساله این شاخص اقتصادی قرار می‌گیرد.

این سقوط در شاخص‌ها نیز مختص صنعت خودرو نیست و کل صنعت را تحت‌تاثیر قرار داده است. کمالاتکه اتاق بازرگانی ایران نیز در گزارش خود به برخی از این مشکلات مانند تعطیلی‌هایی که در پی جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رخ داد، قطعی آب و برق، رشد نااطمینانی‌های اقتصادی، نوسانات شدید نرخ ارز و کمبود نقدینگی اشاره کرده است. بنابراین ثبت چنین رکودی تا حد زیادی متأثر از فضای کلی صنعت و مشکلات حاکم بر اقتصاد کلان کشور است اما علاوه بر این، شامخ تیرماه نشان می‌دهد که خودروسازان به طور خاص با مشکلات دیگری مواجه بوده‌اند، از این جمله می‌توان به چالش‌های تامین مواد اولیه و قطعه اشاره کرد. این مشکل به‌خصوص در مورد دومین خودروساز بزرگ کشور بیشتر نمود دارد.

علاوه بر این رشد بلاکچینی‌ها حاکم بسر این صنعت را نیز نمی‌توان در رکود ایجاب شده در خودروسازی بی‌تاثیر دانست. یکی از این بلاکچینی‌ها در حوزه قیمت است. چالش‌های قیمتی بین بزرگ‌ترین خودروساز کشور و وزارت صمت از اواخر خرداد تاکنون اوج گرفته و هیچ یک زیر بار رشد قیمتی اعلام شده از طرف مقابل نمی‌روند. حالا هم پای دیوان عدالت اداری و سازمان تعزیرات حکومتی نیز به ماجرا باز شده است. بلاکچینی‌ها در حوزه ارز خصوصی‌سازی سایپا نیز همچنان ادامه دارد. در واقع سایپا و زیرمجموعه مطرح آن یعنی پارس‌خودرو نیز در بلاکچینی به سر می‌برند چراکه بعد از واگذاری مدیریت ایران خودرو در بهمن ماه سال گذشته، انتظار می‌رفت که هرچه سریع‌تر تکلیف واگذاری سایپا نیز مشخص شود اما هنوز خبری از عملیاتی شدن آن نیست. این این دست از بلاکچینی‌ها و نااطمینانی‌ها صنعت خودرو را در فضای مبهمی فرو برده است.

نکته قابل‌توجه دیگر اینکه خودروسازان نسبت به بهبود وضعیت



درس آموزی از چین

مصور بیطرف

روزنامه‌نگار

سال گذشته در چنین روزهایی مقاله‌ای با عنوان «آیا چین (کامالا) هریس را ترجیح می‌دهد یا ترامپ را؟» از سوی سه اندیشمند چینی به نام‌های وانگ جیسی، هو ران و ژائو جیان‌وی در سایت فارن‌افرز منتشر شد. اهمیت این مقاله به آن خاطر بود که اولاً آمریکا هنوز گرم انتخابات بود و گمانه‌زنی‌ها هرچند به سمت برنده شدن ترامپ بود وانگ جیسی، ۷۸ ساله از نگاه آمریکایی‌ها و نیز تحلیلگران سیاست خارجی کشورهای غرب از نوابغ استراتژیک چین است. در واقع او میدغ استراتژی «یک کمربند، لایک جاده» چین است که شی جین‌پینگ حدود ۱۰ سال است آن را محور سیاست خارجی خود قرار داده که تاکنون هم موفق بوده، لاقلاً از لحاظ بدهکار کردن کشورهای دیگر و وابسته کردن آنها به چین.

نکات مهمی که وانگ جیسی در مقاله «آیا چین هریس را ترجیح می‌دهد یا ترامپ را» این نکته است که از لحاظ استراتژی، چین تفاوت زیادی بین این دو نمی‌بیند. در واقع از نگاه نویسندگان این مقاله، «از نگاه یکن، تفاوت اساسی بین دو حزب آمریکا در قبال چین وجود ندارد. مهم‌تر از دیدگاه کلی احزاب، طیف‌های مختلف فکری در واشنگتن است که ممکن است بر سیاست نهایی غالب شوند. ناظران چینی تغییر چشم‌گیری در سیاست آمریکا نسبت به چین پیش‌بینی نمی‌کنند، اما در تلاشند بفهمند کدام گرایش فکری در واشنگتن دست بالا را خواهد داشت.» حتی آنها پیش‌بینی می‌کنند در صورت پیروز شدن ترامپ، او تعرفه بالای ۶۰ درصد بر چین اعمال کند. اتفاقی که تقریباً بعد از ۴ ماه از روی کار آمدن ترامپ رخ داد. اما به‌رغم همه اینها وانگ جیسی و دو همکار نویسنده‌اش به سیاستمداران و سیاست‌گذاران توصیه می‌کنند که چین ترجیح می‌دهد که روابط را به‌رغم چالش‌هایی که هر کدام از آنها که روی کار بیایند، ایجاد می‌کنند «روابط را با ثبات» نگه دارد.

در واقع این حرف از سوی استراتژیست کشوری زده می‌شود که در حال حاضر آمریکا بیشترین چالش را با آن دارد. بالاترین نرخ تعرفه را ترامپ بر این کشور اعمال کرد و حتی شرکت‌های آمریکایی را که به دنبال سرمایه‌گذاری در آنجا هستند، به طریقی تنبیه می‌کند: مثل اخذ ۱۵ درصد از درآمدهایی که انویدیا یا «آی ام دی» در صادرات تراشه‌های خود به چین به دست می‌آورند، سهم دولت آمریکا می‌شوند. معامله‌ای که دهن تحلیلگران سیاسی و اقتصادی آمریکا از تعجب باز ماند و آن را «غیرعادی‌ترین معامله» تاریخ آمریکا دانسته‌اند. اما به‌رغم همه این چالش‌ها، باز هم استراتژیست بزرگ سیاست خارجی چین، خواهان یک «رابطه با ثبات» با آمریکا است؛ زیرا او می‌داند که منافع ملی چین ایجاب می‌کند از درگیری مستقیم با آمریکا باید به هر طریق اجتناب کرد؛ حتی نباید تهدید زبانی هم به عمل آورد! البته وانگ جیسی را تنها نباید در این مقاله دید. او یک کتاب بسیار مهم هم در سال ۲۰۲۱ نوشته است با عنوان «Essential Goals in World Politics» یا «اهداف اساسی در سیاست جهانی» که توجه بسیار زیادی را به خود جلب کرده؛ متأسفانه این کتاب هنوز در ایران ترجمه نشده یا شاید هم ترجمه شده باشد، اما توزیع نشده باشد. شاید برای سیاست‌گذاران ایرانی جالب باشد در این کتاب این استراتژیست چینی که مغز متفکر حزب کمونیست چین هم به حساب می‌آید پنج هدف اصلی را قلب سیاست جهانی می‌داند که هر کشوری بهتر است یا باید در داخل به‌دنبال آن باشد: اولین هدف، امنیت است. نکته مهمی که وانگ جیسی در این هدف بر آن دست می‌گذارد «ترتباط بین امنیت و ثروت» است. از نگاه وانگ جیسی امنیت باید به توسعه اقتصادی کمک کند و بالعکس، فقر و نابرابری می‌توانند منجر به بی‌ثباتی و خشونت شوند. در اصل امنیت زیربنای توسعه و بقای کشور است. امنیت در هر دو بعد آن باید برای کشور لحاظ شود.

یعنی بیرونی و درونی. دومین هدف، ثروت است. آن هم در قالب رشد اقتصادی. سومین هدف، باورهایی است که باعث انسجام درونی کشور می‌شود. به نظر مهم‌ترین قالبش را باید در باور به حکومت دانست. چهارمین هدف، عدالت است که در قالب بازتوزیع درآمدها حاصل می‌شود و پنجمین آن آزادی است. آن هم آزادی فردی و سیاسی. آن هم شاید از نگاه خواننده آزادی فردی و سیاسی آن هم از سوی یک نویسنده چینی که استراتژیست حکومت چین هم محسوب می‌شود، کمی غریب به نظر بیاید، اما به هر حال نویسنده آزادی و انواع آن را در این کتاب خود طرح و به بررسی آن پرداخته و آن را از جمله اهداف اساسی سیاست جهانی دانسته است.

نکته مهمی که می‌توانیم از وانگ جیسی یا در کل چین بیاموزیم: واقع‌گرایی و فرصت‌سازی است. اگر فرصت به‌دست نمی‌آید، باید آن را ساخت. «یک کمربند، لایک جاده» در اصل، فرصتی است که چین برای خود ساخت و از آن بهره خود را می‌برد. نکته دیگر آنکه محور واقع‌گرایی «منافع ملی» است. منافع ملی که پیش از این چو ئن لای ۱ نخست‌وزیر زمان مائو - به فراست آن را درک کرد و کلید رابطه چین با آمریکا را زد و پس از آن دنگ شیائو پینگ به آن عمق بخشید و شی جین‌پینگ هم با ذکاوت خاص خود به آن وسعت داد و چین را قدرت دوم اقتصادی جهان کرد. چین در اصل با شناخت دقیق توازن در جهان و پرهیز از افراط و اولویت دادن به رشد اقتصادی و ثبات، جایگاه خود را ارتقا داده و حتی وقتی فرصت آماده نبود، آن را خلق کرده است.

♥ سیاستگذاری در زمین فین تک	
فناوری‌های نوین مالی (فین‌تک‌ها) در سطح جهانی به‌عنوان مکملی برای بانکداری خرد مطرح شده‌اند و می‌توانند با تسریع و تسهیل فرایند وام‌دهی، نقش موثری در بهبود دسترسی به خدمات مالی ایفا کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد سهم اعتبارات پرداختی از طریق این ابزارها به‌طور میانگین در جهان حدود ۱۵ درصد است، درحالی‌که در ایران بر اساس آخرین آمار، این سهم تنها بین ۱ تا ۱۵ درصد قرار دارد. به عقیده کارشناسان از ظرفیت‌های بالقوه فین‌تک‌ها، به‌ویژه در حوزه وام‌دهی و اعتبارات خرد، به‌خوبی بهره‌برداری نشده است. در همین راستا، بانک مرکزی به‌تازگی پیش‌نویس راهبرد توسعه و تنظیم‌گری فناوری‌های نوین مالی را منتشر کرده است. تقویت محیط قانونی، فراهم‌سازی بستر جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و همچنین سازماندهی و یکپارچه‌سازی فعالیت فین‌تک‌ها از جمله اولویت‌هایی است که این نهاد برای ارتقای زیست‌بوم مالی کشور مورد تأکید قرار داده است. با تغییر الگوهای رفتاری مشتریان و افزایش انتظارات کاربران از خدمات مالی دیجیتال، صنعت پرداخت و نظام‌های مالی در سطح جهانی وارد مرحله‌ای از تحولات بنیادین شده است. گسترش به‌کارگیری فناوری‌های نوین چارچوب‌های سنتی ارائه خدمات مالی را دگرگون کرده و مدل‌های کسب‌وکار مبتنی بر فناوری‌های نوین مالی (فین‌تک‌ها) را به یکی از مهم‌ترین روندهای نوظهور در اقتصاد جهانی بدل ساخته است. ایران نیز به دلیل ضرب بالای نفوذ اینترنت و گسترش استفاده از تلفن‌های هوشمند، دیجیتال برخودار است. وجود جمعیت جوان و آشنا با فناوری، بازار بزرگی را برای ارائه خدمات مالی نوآورانه در کشور فراهم کرده و بستری مناسب برای رشد فناوری‌های نوین مالی ایجاد کرده است. از سوی دیگر، ساختار سنتی نظام بانکی در حوزه تأمین مالی و ارائه تسهیلات، با محدودیت‌ها و پیچیدگی‌هایی همراه است. فرایند دریافت وام در بانک‌ها غالباً نیازمند بلوک کردن مبلغی در حساب‌بانکی و ارائه مدارک متعدد است؛ شرایطی که برای بسیاری از افراد به‌ویژه اقشار کم‌درآمد دشوار یا حتی غیرممکن است و در نتیجه دسترسی آنها به منابع مالی محدود می‌شود. در مقابل، فین‌تک‌ها با حذف بخشی از این موانع و ارائه راهکارهای انعطاف‌پذیرتر، توانسته‌اند توجه کاربران را به خود جلب کنند و به گزینۀ‌ای کارآمد برای تأمین مالی خرد و ارائه خدمات اعتباری بدل شوند. راهبرد بانکمر کزی در رابطه با فین‌تک‌ها به تازگی، بانک مرکزی با توجه به پتانسیل رو به رشد فناوری‌های مالی در نظام پولی و بانکی کشور، راهبردی جامع را در زمینه تنظیم‌گری و گسترش فین‌تک‌ها تدوین کرده است. هدف اصلی ایین رویکرد، ایجاد تعادل میان حمایت از نوآوری و تضمین ثبات مالی است. بر این اساس، بانک مرکزی در گام نخست به دنبال تقویت محیط قانونی و نظارتی است تا از یکسو فضای مطمئن و شفافی برای فعالیت شرکت‌های نوآور فراهم شود و از سوی دیگر، امکان بروز رقابت سالم در بازارهای مالی به وجود آید. هم‌زمان با این اقدام، توسعه ابزارهای نوین نظارتی در دستور کار قرار گرفته تا با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید، ریسک‌های ناشی از فعالیت‌ها و تسهیل شفافیت و اثربخشی نظارت در حوزه پولی و بانکی ارتقا یابد. در کنار بعد نظارتی، فراهم‌سازی زمینه سرمایه‌گذاری داخلی و بین‌المللی نیز بخش مهمی از این راهبرد را تشکیل می‌دهد. بانک مرکزی با حمایت از حضور فعال فین‌تک‌ها در رویدادهای ملی و جهانی و تسهیل دسترسی آنها به منابع مالی، تلاش دارد امکان رشد و توسعه پایدار این صنعت را فراهم آورد. در همین راستا، ایجاد بستر همکاری و هم‌افزایی میان بازیگران اصلی زیست‌بوم فین‌تک کشور، به‌عنوان یکی از محوره‌های کلیدی دنبال می‌شود. در این راستا شکل‌گیری «رگولاتور واحد صنعت فین‌تک در کشور به منظور هماهنگ‌سازی بین‌نهادی و تدوین سیاست‌های یکپارچه از اولویت بالایی برخوردار است. در نهایت، این راهبرد در شکل‌گیری ساختارهایی برای اشتراک‌گذاری دانش و تبادل ایده‌ها و محصولات نوآورانه تأکید دارد؛ ساختارهایی که می‌توانند به ارتقای کیفیت خدمات مالی، گسترش دسترسی مردم به ابزارهای نوین و تقویت جابگه فین‌تک‌ها منجر شوند. به این ترتیب، سیاست بانک مرکزی در قبال فین‌تک‌ها نه صرفاً رویکردی نظارتی، بلکه حرکتی هماهنگ برای حمایت، ساماندهی و هدایت این صنعت نوظهور در جهت منافع کلان اقتصاد کشور است. ■	
♥ حذف صفر از پول ملی: اقدامی اصلاحی یا سیاستی نمادین؟	
با تصویب لایحه حذف چهار صفر از پول ملی در کمیسیون اقتصادی مجلس، بار دیگر بحث بر سر کارآمدی این سیاست در دستور کار فضای عمومی و تخصصی کشور قرار گرفته است. طبق اعلام مقامات، این لایحه پس از بررسی کارشناسی در بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و رفع ایرادات قبلی، به زودی در صحن علنی مجلس مطرح خواهد شد. اما پرسش کلیدی این است: آیا حذف صفر از پول ملی در شرایط فعلی اقتصاد ایران، می‌تواند گامی موثر در جهت بهبود نظام پولی و مالی کشور باشد یا صرفاً تغییری نمادین و فاقد اثرگذاری اقتصادی خواهد بود؟ در شرایط اقتصادی کنونی ایران، حذف صفرها چه دستاوردی خواهد داشت؟ و آیا می‌توان آن را گامی موثر در راستای بهبود عملکرد اقتصادی دانست یا صرفاً اقدامی نمادین در ظاهر مساله است؟	



سه مانع در برابر ابزار پولی

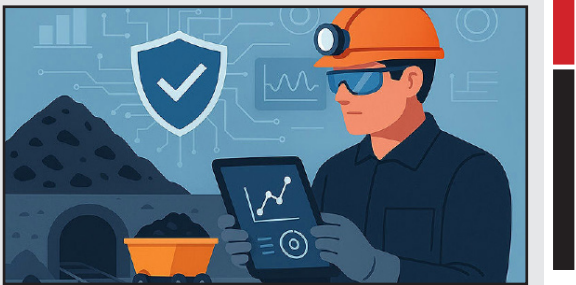
مریم لطفی - نرخ بهره بین بانکی در هفته منتهی به ۲۰ مرداد ماه، بعد از ۶ هفته، به سقف خود یعنی ۲۳.۹۸ درصد بازگشت. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد نرخ بهره بین بانکی در اقتصاد ایران به عنوان یک ابزار سیاستگذاری پولی استفاده نمی‌شود.

نرخ بهره بین بانکی در اقتصاد ایران به عنوان یک ابزار سیاستگذاری پولی استفاده نمی‌شود.

به نظر می‌رسد برخلاف سایر کشورها که این نرخ نشان‌دهنده سیاستگذاری‌ها و اهداف بانک مرکزی است، در اقتصاد ایران یکی از نشانه‌های کاهش و یا افزایش ورود نقدینگی از سمت بانک مرکزی به بانک‌ها است. بررسی‌ها نشان می‌دهداصلی‌ترین رویکرد سیاستگذار پولی در خصوص نرخ بهره بین بانکی حفظ این نرخ در بازه ۲۳ تا ۲۴ درصد است. به عقیده کارشناسان سه دلیل را می‌توان برای این رویکرد بانک مرکزی برشمرد. اصلی‌ترین دلیل می‌تواند وجود ناترازی در سیستم بانکی کشور باشد. نوسان شدید در نرخ بهره بین بانکی در شرایطی که ناترازی شدید در سیستم بانکی کشور وجود دارد، می‌تواند به ناترازی بیشتر منجر شود. دومین دلیل شاید جلوگیری از تشدید شرایط رکودی است. اقتصاددانان هشدار داده بودند که فاصله زیاد نرخ بهره بین بانکی از نرخ تورم می‌تواند به تشدید شرایط رکود تورمی در اقتصاد منجر شود. دلیل دیگر نیز ممکن است به عدم توسعه سایر بازارها در اقتصاد ایران مرتبط باشد. کارشناسان معتقدند استفاده از نرخ بهره بین بانکی به عنوان یک ابزار سیاستگذاری در بازار پول می‌تواند در سایر بازارها اثرات ناخواسته وارد کند.

نرخ بهره بین بانکی برای هفته منتهی به ۲۰ مرداد ماه، ۲۳.۹۸ درصد اعلام شد. ۲۳.۹۸ درصد بالاترین نرخ ثبت شده برای نرخ بهره بین بانکی در ایران است. اولین بار در دی ماه سال گذشته نرخ بهره بازار بین بانکی به این سقف رسید. در سال ۱۴۰۳، نرخ بهره بین بانکی طی سه هفته متوالی در دی و بهمن در سقف ۲۳.۹۸ درصد گزارش شده بود. اما در نظر بانک مرکزی، نرخ بهره بین بانکی در صورت منظم نرخ بهره بین بانکی را اعلام می‌کند. این شرایط در حالی است که سیگنال‌دهی این شاخص اقتصادی در سایر کشورها با ایران متفاوت است. در اقتصادهای پیشرفته، تغییرات متغیرهای اقتصادی از قبیل نرخ تورم و نرخ بیکاری در نرخ بهره و به تبع آن نرخ بهره بین بانکی تأثیرگذار است. به طوری که تغییرات متغیرهای اقتصادی، بانک مرکزی به عنوان نهاد تنظیم‌گر را مجاب می‌کند برای افزایش یا کاهش نرخ بهره به عنوان سیاستگذاری انقباضی و یا انبساطی اقدام کند. موضع بانک مرکزی به فعالان اقتصادی سیگنال می‌دهد که روند متغیرهای اصلی اقتصادی چگونه خواهد بود و در نتیجه انتظارات فعالان اقتصادی مدیریت میشود که این مورد نیز بر بازارها اثرگذاری می‌کند.

اما در اقتصاد ایران نرخ بهره و به طور خاص نرخ بهره بین بانکی سیگنال‌دهی این چنینی



کاهش ریسک معدن کاری با فناوری

قطعی برق صنایع در بیش از ۳۰درصد روزهای تابستان، بخش خصوصی را با مشکلات جدی مواجه کرده است. برآوردها حاکی از آن است که ناترازی انرژی می‌تواند تا ۱۵درصد، ارزش افزوده انتظاری در بخش صنعت را کاهش دهد و باعث بیکاری ۲۰۰هزار نفر از کارگران صنعتی شود. در سال‌های گذشته مدیران واحدهای تولیدی تلاش داشتند تا در برابر اخراج کارگران و تعطیلی بنگاه‌ها مقاومت کنند؛ اما به نظر می‌رسد با ورخیم‌تر شدن شکاف ناترازی، ظرفیت تاب‌آوری صنعت رو به پایان است.

فرشته رضایی: در ماه‌های اخیر، قطعی‌های مکرر برق به یکی از جدی‌ترین چالش‌های بخش صنعت کشور تبدیل شده و آثار اقتصادی، اجتماعی قابل‌توجهی بر جای گذاشته است. کاهش میانگین ۳۰ تا ۴۰ درصدی ظرفیت تولید در بسیاری از واحدهای صنعتی، نغتنه بازدهی و سودآوری آنها را به شدت کاهش داده، بلکه حدود ۲۰۰ هزار فرصت شغلی را نیز در معرض خطر مستقیم قرار داده است. این وضعیت، علاوه بر تعدیل نیروی کار در هفته‌های گذشته، چشم‌انداز تیره‌تری را برای آینده اشتغال ترسیم می‌کند. برآوردها نشان می‌دهد که در صورت تداوم روند فعلی، بیش از ۱۰میلیارد دلار از مجموع ارزش افزوده کل بخش صنعت (که حدود ۶۸میلیارد دلار برآورد می‌شود)، از دست خواهد رفت. این کاهش تولید و ارزش افزوده، نغتنه‌ها به افت درآمد کارگران و کارفرمایان می‌انجامد، بلکه موجب کاهش درآمدهای مالیاتی دولت، اختلال در زنجیره تأمین، افزایش قیمت تمام‌شده کالاها خواهد شد.

۲۰۰هزار فرصت شغلی در معرض خطر

مهدی بسنتاچی، رئیس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی کشور، در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به تأثیر قطعی‌های مکرر برق بر فعالیت واحدهای تولیدی و صنعتی، وضعیت کنونی را نگران‌کننده توصیف کرد و هشدار داد که ادامه این روند می‌تواند ضربه‌های جدی به اشتغال، تولید و درآمد کشور وارد کند.

او با تأکید بر اینکه مشکل کمبود و قطع برق در تابستان موضوعی تازه نیست، گفت: «سال‌های گذشته هم تجربه قطعی برق را داشتیم، اما امسال شدت و گستره این قطعی‌ها به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافته و آثار زیان‌بار آن بر صنعت مشهودتر است. نکته مهم و البته عجیب این است که به نظر می‌رسد وزارت نیرو در اولویت‌بندی خود، برق بخش‌های تولیدی را زودتر از سایر بخش‌ها قطع می‌کند. این در حالی است که بخش تولید، ستون فقرات اقتصاد کشور است و بخش عمده چرخ اقتصادی ایران را می‌چرخاند.» بسنتاچی با اشاره به برآوردهای انجام‌شده افزود: «در بسیاری از مناطق، واحدهای صنعتی هفته‌ای دست‌کم یک‌سوم روزهای کاری خود را به دلیل قطع برق از دست داده‌اند. در برخی نقاط این رقم حتی به نصف هفته هم می‌رسد. کاهش این میزان از ظرفیت تولید، باعث شده حدود ۲۰۰ هزار فرصت شغلی در شهرک‌های صنعتی در معرض خطر قرار بگیرد. این رقم جدای از آن بخشی است که طی یک ماه گذشته، در عمل تعدیل نیرو را تجربه کرده‌اند. پیش‌بینی می‌شود ادامه این وضعیت، حدود ۱۰میلیارد دلار از مجموع ۶۸میلیارد دلار ارزش افزوده بخش صنعت را تحت تأثیر قرار دهد.» کاهش ظرفیت تولید، عملاً به معنای از دست رفتن بخش بزرگی از توان رقابتی صنایع در بازار داخلی و خارجی است. این افت تولید، باعث کاهش حجم فروش، افزایش هزینه‌های ثابت به ازای هر واحد محصول و در نتیجه کاهش حاشیه سود می‌شود. فعالان این حوزه اعتقاد دارند بسیاری از واحدها، به دلیل از دست رفتن سفارشات و بی‌اعتمادی مشتریان، حتی پس از پایان قطعی‌ها نیز قادر به جبران زیان نیستند. از سوی دیگر، توقف‌های مکرر فعالیت ماشین‌آلات باعث استهلاک دوهنگام تجهیزات و افزایش هزینه تعمیر و نگهداری می‌شود که فشار مضاعفی بر واحدهای صنعتی وارد می‌کند.

کاهش ۴۰ درصدی تولید در هر ماه

بسنتاچی در ادامه توضیح داد: «خسارت‌های ناشی از قطعی برق را می‌توان در چند دسته اصلی طبقه‌بندی کرد. نخست، خسارت مستقیم به فرآیند تولید که به دلیل قطع برق در دو تا سه

ندارد. سوالی که مطرح می‌شود آن است که آیا نرخ بهره بین بانکی ناکارآمد است و یا چهارچوب اقتصاد ایران عملکرد این نرخ را محدود کرده است؟ بسیاری از کارشناسان معتقدند تعریف سقف و کف دستوری برای این شاخص، توان سیگنال‌دهی را از این شاخص سلب کرده است. بسیاری دیگر از متخصصان اقتصادی معتقدند به دلیل شرایط موجود در اقتصاد ایران، اعمال سیاستگذاری پولی اثر گذاری و کارآمدی خود را از دست داده است. با وجود این که نبود سیگنال‌دهی شفاف، اثرگذاری سیاستگذاری پولی را با چالش مواجه کرده است، به نظر می‌رسد در شرایط فعلی اقتصاد کشور، توان اعمال سیاست پولی توسط بانک مرکزی بسیار محدود است. کارشناسان معتقدند پیش از هرگونه اعمال سیاستگذاری پولی، اقتصاد ایران نیازمند اصلاحات ساختاری است. و تا زمانی که مشکلات ساختاری اقتصاد ایران رفع نشده باشد نمی‌توان بیش از عملکرد فعلی از بانک مرکزی انتظار داشت. در حال حاضر بانک مرکزی تمامی ابزارها و امکانات خود را تنها برای حفظ شرایط موجود و جلوگیری از ایجاد نوسان شدید به کار گرفته است.

پیش‌شرط‌های استفاده از ابزار پولی

کارشناسان و متخصصان اقتصادی معتقدند استفاده از نرخ بهره بین بانکی به عنوان ابزاری برای سیاستگذاری پولی نیازمند پیش‌شرط‌هایی است که در حال حاضر در اقتصاد ایران وجود ندارد. شفافیت در سیگنال‌دهی نرخ بهره بین‌بانکی زمانی معنا پیدا می‌کند که بانک مرکزی در چارچوبی روشن و قابل پیش‌بینی حرکت کند. برای این منظور، وجود سیاستی مشخص برای نرخ‌های بین‌بانکی، همراه با ابزارهای کارآمدی چون عملیات بازار باز و کردیدو نرخ بهره، پیش‌شرط اصلی است. اما ابزار به تنهایی کافی نیست، اعتبار و استقلال بانک مرکزی، هماهنگی نسبی با سیاست‌های مالی دولت و پرهیز از تصمیمات ناگهانی نیز نقش کلیدی در اثرگذاری سیاستگذاری پولی دارند. از سوی دیگر، ثبات نسبی اقتصاد کلان و کنترل متغیرهایی همچون تورم و نرخ ارز، مکمل این پیش‌شرط‌هاست تا نرخ بهره بین‌بانکی به عنوان ابزاری واقعی برای هدایت انتظارات و مدیریت نقدینگی باشد.

دلایل عدم بهره‌مندی از ابزار پولی

فرای نبود پیش‌شرط‌ها، سیاستگذار پولی در ایران با شرایط منحصر به فردی روبه‌رو است. شاید یکی از مهم‌ترین مسائل در اقتصاد ایران ناترازی در سیستم بانکی است که منجر به ایجاد ناترازی در سایر سطوح اقتصادی می‌شود. به عقیده بسیاری از اقتصاددانان نرخ بهره بین بانکی به دلیل وجود ناترازی در سیستم بانکی نمی‌تواند به عنوان ابزاری کارآمد و موثر در اقتصاد ایران مورد استفاده قرار بگیرد.

حتی مقامات بانک مرکزی توضیح داده بودند که استفاده از نرخ بهره همچون سایر کشورهای دنیا در اقتصاد ایران می‌تواند اثرات نامطلوبی داشته باشد. چراکه به دلیل شرایط خاص اقتصاد ایران افزایش نوسانات این نرخ می‌تواند برهم زننده تعادل میان منابع و مصارف بانک‌ها باشد و در نتیجه موجب افزایش ناترازی در سیستم بانکی کشور شود. پیش‌تر کارشناسان اعلام کرده بودند که کسب بسیاری از مشکلات اقتصاد کشور ناشی از سلطه مالی است و حتی مساله ناترازی بانک‌ها نیز ناشی از سلطه مالی دولت است.

مانع دیگر آزادسازی نرخ بهره بین بانکی و استفاده از آن به عنوان یک ابزار کارآمد پولی، جلوگیری از تشدید رکود است. اقتصاددانان معتقدند بهتر است بانک مرکزی اجازه دهد نرخ بهره بین بانکی کمی بالاتر از نرخ تورم قرار بگیرد ولی نباید اجازه دهد افزایش شدیدی در این نرخ ثبت شود. چرا که افزایش نرخ بهره بین بانکی در اقتصاد ایران می‌تواند منجر به تشدید شرایط رکودی در اقتصاد ایران باشد.

از طرفی نرخ بهره بین بانکی در سایر بازارها مانند بازار سرمایه موثر است. نرخ بهره بین‌بانکی به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی بازار پول، تأثیر مستقیمی بر جریان نقدینگی و تصمیم فعالان اقتصادی دارد. افزایش زیاد در این نرخ به معنی آن است که منابع مالی بیشتر به سمت شبکه بانکی حرکت می‌کند و در نتیجه جذابیت بازار سرمایه کاهش می‌یابد. البته به روشنی در صورت تعمیق سایر بازارها اثرگذاری نرخ بهره بین بانکی نمی‌تواند منجر به اختلال و تغییرات شدید شود، بنابراین به‌طور کلی شاید بتوان هراس سیاستگذار پولی از تشدید شرایط رکودی، اثرگذاری بر سایر بازارها و ناترازی سیستم بانکی را سه دلیل اصلی دانست که بانک مرکزی در ایران به سمت استفاده از نرخ بهره نمی‌رود.

از نظر تاریخی استخراج زغال‌سنگ از معادن، به‌ویژه معادن زیرزمینی، یکی از پرریسک‌ترین فعالیت‌ها از نظر سلامتی نیروی کار است. از جمله اصلی‌ترین خطرات پیشروی معدن‌کاری در معادن زیرزمینی زغال‌سنگ می‌توان به گردوغبار، انفجار، مسمومیت با گاز، آتش‌سوزی، نفوذ آب، خطرات ناشی از جریان‌های الکتریکی و برق‌گرفتگی، برخورد ماشین‌آلات با یکدیگر و کارکنان، سقوط تجهیزات و افراد، ریزش معدن و گازگرفتگی اشاره کرد. طبق آمار ایمن‌ترین روش استخراج زغال از معادن استفاده از تجهیزات کنترل از راه دور است و استخراج به صورت دستی ریسک فعالیت معدن‌کاری را در معادن زغال‌سنگ به‌شدت افزایش می‌دهد. مدیریت و کنترل بخش‌های مختلف معدن کاری نیازمند ابزارهای نوین است تا بتواند با کاهش هزینه‌ها و ریسک‌ها بهره‌وری را افزایش دهد.

استفاده از فناوری‌های معدن کاری دیجیتال و اتوماسیون معدن راهکاری کارآمد و موثر در کاهش خطرات و حوادث است که طی چند دهه اخیر در دنیا مطرح شده و به‌سرعت در حال گسترش در تمامی معادن به‌ویژه معادن زغال‌سنگ است. بهره‌گیری از ابزارهای معدن کاری دیجیتال مانند اینترنت اشیا می‌تواند از وقوع بسیاری از حوادث در معادن زغال‌سنگ جلوگیری کرده و علاوه بر افزایش ایمنی و سلامت کارگران، باعث حفظ سرمایه‌ها، افزایش تولید، حفاظت از محیط‌زیست و افزایش بهره‌وری معدن زغال‌سنگ کشور شود.

عمده سیستم‌های اجرایی در یک معدن دیجیتال مبتنی بر فناوری‌های اینترنت اشیا، مانیتورینگ متمرکز و هوشمند، هوش مصنوعی، تحلیل کلان‌داده و پردازش ابری هستند. بهره‌گیری از مجموع این فناوری‌ها باعث نظارت دقیق بر تمامی فضای معدن، کنترل تمامی ماشین‌آلات و تجهیزات، ردیابی و کنترل افراد حاضر در محیط معدن خواهد شد. با بهره‌گیری از مجموعه عوامل فوق می‌توان خطاها را شناسایی و تهدیدهای بالقوه را به طور دقیق و بلادرنگ پیش‌بینی کرد که این امر برای کارکرد ایمن‌تر و کارآمدتر تجهیزات و نیروی انسانی شاغل در معدن از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. حسگرهای گاز متان و دی‌اکسید کربن؛ یکی از مهم‌ترین عوامل در جلوگیری از انفجار در معادن زغال‌سنگ، پایش غلظت گازهای متان، دی‌اکسید کربن و اکسیژن به‌طور لحظه‌ای است.

شوک ناترازی به اشتغال

مصرف‌کنندگان هم اثر می‌گذارند، زیرا کاهش عرضه به افزایش قیمت‌ها می‌انجامد. همچنین صنایع فلزی، شیمیایی و نساجی نیز به دلیل توقف ناگهانی فرایند تولید با مشکلات جدی در کیفیت و یکپارچگی محصول مواجه می‌شوند. در عمل، این بحران به شکلی فراگیر همه بخش‌های صنعتی را درگیر کرده است.

بسنتاچی در پاسخ به پرسشی در رابطه با اینکه کدام صنایع بیشترین آسیب را از این شرایط دیده‌اند، گفت: «سیاست قطعی برق به طور کلی به همه صنایع ضربه زده است. البته صنایعی که محصولات آنها مستقیماً با خوراک و نیاز روزمره مردم در ارتباط است، مانند صنایع کشاورزی و سردخانه‌ها، در برخی مواقع خسارت‌های سنگین‌تری متحمل شده‌اند. به عنوان مثال، اگر یک سردخانه چند روز برق نداشته باشد، بخشی از محصولات فاسدشدنی آن از بین می‌رود. اما این بدان معنا نیست که صنایع فلزی یا صنایع تولید تجهیزات کمتر آسیب دیده‌اند تقریباً می‌توان گفت که رویکرد فعلی، همه بخش‌های صنعتی را با بحران روبه‌رو کرده است.»

برنامه‌های کاغذی روی میز سیاستگذاران

رئیس شورای هماهنگی شهرک‌های صنعتی کشور همچنین به برنامه‌های دولت برای تولید برق توسط صنایع اشاره کرد و گفت: «در دولت قبل توافق‌نامه‌ای برای تولید ۱۰ هزار مگاوات برق توسط صنایع امضا شد، اما عملان این هدف محقق نشد. نوشتن چنین برنامه‌هایی روی کاغذ، بدون تأمین منابع و پیگیری اجرایی، نتیجه‌ای ندارد. حتی اگر صنایع بزرگ بتوانند بخشی از برق خود را تأمین کنند، صنایع کوچک به هیچ عنوان چنین ظرفیتی ندارند و این تکلیف عملاً کم‌کاری دولت را به گردن بخش تولید می‌اندازد.»

او با انتقاد از این رویکرد افزود: «بوتل باید مسوولیت تأمین برق صنایع را برعهده بگیرد، نه اینکه با تصمیمات خود مشکلات را به بخش خصوصی منتقل کند. صنایع کوچک و متوسط که بخش عمده اشتغال صنعتی کشور را در اختیار دارند، نه تنها منابع لازم برای سرمایه‌گذاری در تولید برق را ندارند، بلکه حتی اگر بخواهند چنین کاری بکنند، فرآیندهای اداری و مجوزهای پیچیده مانع بزرگی در این مسیر خواهد بود. از این رو، تکرار این سیاست‌ها بدون تغییر در زیرساخت‌ها، به معنای تعمیق بحران خواهد بود.»

بسنتاچی در جمع‌بندی سخنان خود با هشدار نسبت به پیامدهای تداوم قطعی برق گفت: «اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، ما با سه چالش عمده مواجه خواهیم شد. نخست، کاهش بیشتر ظرفیت تولید که مستقیماً به از دست رفتن فرصت‌های شغلی و کاهش درآمد ملی منجر می‌شود. دوم، تشدید فشار تورمی ناشی از کاهش عرضه و افزایش هزینه‌های تولید. سوم، اثرات اجتماعی و امنیتی ناشی از بیکاری و رکود در بخش‌های مختلف. این سه عامل در کنار هم می‌توانند شرایط اقتصادی کشور را در سال‌های آینده دشوار تر کنند.»

او تأکید کرد: «در حال حاضر، کشور در وضعیت مالی و اقتصادی نابسامانی به سر می‌برد و هر شوک جدیدی می‌تواند آثار جبران‌ناپذیری بر بدنه تولید و اشتغال بگذارد. برق، یکی از زیرساخت‌های حیاتی تولید است و بدون آن، هیچ برنامه‌ای برای رشد صنعتی محقق نخواهد شد. بنابراین، تأمین پایدار و مطمئن برق صنایع باید به اولویت اصلی دولت و وزارت نیرو تبدیل شود.» به گفته بسنتاچی، بی‌توجهی به این مساله نه‌تنها صنایع موجود را در معرض خطر تعطیلی قرار می‌دهد، بلکه انگیزه سرمایه‌گذاری جدید در بخش صنعت را نیز از بین می‌برد. او یادآور شد: «سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، پیش از هر چیز به ثبات زیرساخت‌ها نگاه می‌کنند. وقتی ثبات در تأمین انرژی وجود نداشته باشد، هیچ‌کس حاضر نیست سرمایه خود را وارد پروژه‌های صنعتی کند.»

او در پایان با تأکید بر اینکه زمان برای اصلاح وضعیت بسیار محدود است، بیان کرد: «تجربه سال‌های اخیر نشان داده که مشکلات صنعت در حوزه انرژی، با گذر زمان خودبه‌خود حل نمی‌شود و حتی روندی فزاینده دارد. اگر امروز اقدامات جدی و عملیاتی انجام نشود، فردا باید هزینه‌های بسیار بیشتری را برای جبران خسارت‌ها پرداخت کنیم. این هزینه‌ها نه فقط مالی، بلکه اجتماعی و انسانی نیز خواهند بود.»



هدف اصلی این سیاست‌ها کنترل نوسانات بازار و کاهش آسیب‌پذیری فعالان اقتصادی بود، اما در عمل پیامد معکوسی داشت؛ چراکه صادرکنندگان را به کاهش فعالیت‌های صادراتی ترغیب می‌کرد.

در این راستا برخی صنایع که با مواد اولیه فاسدشدنی سروکار دارند، بیشترین آسیب را از قطعی برق متحمل می‌شوند. قطع برق چند روزه در این بخش‌ها می‌تواند منجر به از بین رفتن حجم بالایی از محصولات و تحمل ضررهای میلیاردی شود. این زیان‌ها نه‌تنها بر تولیدکنندگان بلکه بر

روزنامه‌های اقتصاد

یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۴
شماره ۷۴۱
www.marzeghtesad.ir

♥ بورس راه

شاخص کل بورس از روز بازگشایی بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه (۷تیر ۱۴۰۴) تا شنبه ۲۵مرداد ماه ۳۳ روز معاملاتی را پشت سر گذاشته است. ۳۳روزی که جمعا ۵۳۱هزار واحد افت را برای شاخص کل رقم زده و به از دست دادن ۵ ابر کانال مهم منجر شده است. تالار شیشه‌ای این روزها در شرایطی ناپایدار و حساس قرار دارد و روند نزولی طولانی‌مدت آن، نگرانی سهامداران و فعالان بازار را تشدید کرده است. کاهش شدید قیمت‌ها در نمادهای مختلف و ریزش سنگین شاخص‌ها نشان‌دهنده ضعف شدید تقاضا و خروج نقدینگی از بازار است. درحالی‌که برخی تلاش‌ها برای حمایت از بازار، مانند ورود صندوق‌های درآمد ثابت، مطرح شده است، تجربه گذشته نشان داده هرگونه مداخله مصنوعی کوتاه‌مدت، اثرات بلندمدت منفی به همراه خواهد داشت.

محمد خبزی‌زاد، تحلیلگر بازار سرمایه با اشاره به ادامه روند نزولی بورس در روز گذشته گفت: «شنبه هم شاهد تداوم روند منفی بازار بودیم و به نظر می‌رسد ریزش مرحله دوم بعد از جنگ تحمیلی ۱۲،روزه حتی از سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۲ و سایر افت‌های قبلی هم شدیدتر و سنگین‌تر باشد و در این مدت شاهد یکی از سنگین‌ترین ریزش‌های تاریخ بورس هستیم. بسیاری از سهامداران دیگر به سهام خود توجهی ندارند و علا آن را کنار گذاشته‌اند. سهام برخی شرکت‌های بزرگ که افزایش سرمایه داده بودند، امروز ۱۰۰ درصد و حتی ۵۰ درصد معامله می‌شوند و در حال نزدیک شدن به صفر هستند. متأسفانه بازار کاملاً به حال خود رها شده است.» او ادامه داد: «البته روز گذشته در بخشی از بازار نوعی تعادل نسبی مشاهده شد که بیشتر به دلیل افت شدید روزهای گذشته بود و به‌طور طبیعی باعث شکل‌گیری تقاضا در برخی نمادها شد. با این حال، مشکل اصلی پابرجاست و آن هم این است که پول به سمت بازار سرمایه نمی‌آید. سرمایه‌گذاران هم حق دارند منتظر تعیین تکلیف مباحثی همچون مکانیسم ماشه بمانند و سپس درصراه ورود به بازار تصمیم بگیرند. درحالی‌که سایر بازارها با رکود هستند، بازار سرمایه ما درگیر نزول و سقوط است و همین موضوع آن را از دیگر بازارها متمایز می‌کند.»

خبزی‌زاد به برخی پیشنهادهای فعالان بازار اشاره کرد و گفت: «این روزها بعضی از فعالان، به‌ویژه حقیقی‌ها، می‌کشوند با هر روشی نهاده‌ا و شرکت‌ها را به سرمایه‌گذاری در سهام مجبور کنند. یکی از این پیشنهادها، اجبار صندوق‌های با درآمد ثابت به خرید سهام با کف مشخص ۱۰ تا ۱۵ درصد بوده است. اما واقعیت این است که بازار به یک محرک واقعی برای خروج از این وضعیت نیاز دارد. هر گونه دستکاری یا محرک مصنوعی شاید در کوتاه‌مدت صف‌های فروش را سبک کند یا سود مقطعی به برخی بدهد، اما در بلندمدت اثرات منفی آن باقی می‌ماند. تجربه مشابه این موضوع را در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ داشتیم. یک ماه بازار مثبت یک‌دو دوباره ریزش کرد و همان صندوق‌ها دچار بحران شدند.»

«روز گذشته بازار سرمایه در حالی آغاز به کار کرد که پس از هفته‌ها فشار فروش و افت متوالی قیمت‌ها، سرانجام نشانه‌هایی از آرامش و بهبود نسبی در معاملات نمایان شد. بسیاری از فعالان بازار درپروز را نقطه‌ای مهم در مسیر بازگشت شاخص‌ها می‌دانند، هرچند یک روز متعادل به‌تنهایی نمی‌تواند ضامن تغییر روند باشد و برای خروج از بحران فعلی به ترکیبی از خبرهای مثبت و ورود جریان نقدینگی پرکردنی نیاز است.» او ادامه داد: «بسیاری از نمادها در ارزنده‌ترین سطوح قیمتی چند سال اخیر قرار گرفته‌اند. کاهش تشدید قیمت‌ها در هفته‌های گذشته فشار فروش را کاهش داد و خریداران با احتیاط بیشتری وارد شدند. بورس تهران اکنون در یکی از تاریخی‌ترین نقاط بنیادی خود ایستاده و در صورت دریافت حمایت‌ه‌ای لازم می‌تواند به سرعت وارد فاز صعودی شود.» حاجعلی درباره روند معاملات اخیر گفت: «تکیه بر مثبت‌های مقطعی نمی‌تواند چشم‌انداز روشنی را برای بازار رقم بزند. همان‌طور که هفته گذشته آغاز پرقدرتی داشتیم اما با انتشار رشد خبر منفی روند به سرعت معکوس شد. یکی از نکات قابل‌توجه، مثبت بودن معاملات در روز شنبه و کاهش تدریجی هیجان خرید در روزهای بعد است. امروز نیز بازار مطابق همین الگو شروعی سبز داشت.»

او تحولات سیاسی را مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر بورس دانست و افزود: «دیدار اخیر روسای جمهور آمریکا و روسیه و پیامدهای احتمالی آن برای ایران، همچنین تنش‌های منطقه‌ای و تهدیدهای متقابل ایران و رژیم صهیونیستی در صدر خبرهایی است که معامله‌گران دنبال می‌کنند.» حاجعلی درباره راکهارهای خروج از بحران گفت: «استفاده گسترده‌تر از منابع باشد. موافقان معتقدند افزایش سقف مجاز خرید سهام توسط این صندوق‌ها، بازار را نجات می‌دهد و بازدهی مناسبی هم برای خود صندوق‌ها ایجاد می‌کند. اما مخالفان هشدار می‌دهند که ماهیت کمریسک صندوق‌ها خدش‌ناخود شود و باعث خروج سرمایه‌گذاران شود. به همین دلیل بعضی پیشنهاد می‌کنند حمایت به‌صورت مستقیم و از طریق ابزارهایی مانند اوراق تبعی با نرخ‌های جذاب انجام شود.»

واحدی رسید. در فرابورس نیز شاخص کل این بازار، ۰.۴۳ درصد کاهش را ثبت کرد. ارزش معاملات خرد بازار سهام نیز رقم ۴ هزار و ۹۴۶میلیارد تومان را ثبت کرد. رصد تحرکات گروه‌ها نشان می‌دهد، بورس تهران را لیدری گروه فلزات اساسی و بانک‌ها همچنان در مسیر کاهشی شاخص‌های سهامی تلاطم می‌کند. هرچند خروج بیش از ۸۸۲میلیارد تومان از گردونه معاملات، عرصه را برای ورود سهامداران خرد تنگ کرده، اما تقاضا در میانه بازار، جو ملتهب بورس را تلطیف کرد. از سوی دیگر صندوق‌های اهرمی نیز با ورود پول اندکی همراه شدند. در میان دیگر ETFهای بورسی، صندوق‌های املاک و مستغلات و صندوق‌های طلا صدرنشین ورود پول توسط حقیقی‌ها هستند.

عقب‌نشینی به سبک بورس

معاملات نخستین روز هفته بازار سهام نیز با عقب‌نشینی شاخص‌ها کلید خورد و نماگرهای سهامی یکی پس از دیگری کاهش ارتفاع را ثبت کردند. داماسنج اصلی بورس نیز با قرار گرفتن در میانه کانال ۲میلیون و ۴۰۰ هزار واحدی پرورنده خود را در سطح ۲میلیون و ۴۵۴هزار واحد بست. این در حالی است که بورس سال جاری را با شاخص ۲میلیون و ۷۱۰هزار واحد آغاز کرد. با فروکش انتظارات مثبت در بازار در ۱۸تیرماه مجدداً نماگر اصلی به نقطه شروع سال جاری برگشت. با توجه به اینکه حمایت‌های نهادی از بازار سرمایه جواب نداد، شاخص کل سطوح بیشتری را از دست داد، به عبارت دیگر نماگر اصلی بازار سهام اکنون به محدوده‌ای رسیده که آخرین‌بار که شاخص کل در محدوده‌ای پایین‌تر از این سطح قرار داشت به اواسط آذر سال گذشته بازمی‌گردد. «دنیای اقتصاد» پیش از این به احتمال تشدید فضای احتیاطی تالار شیشه‌ای در شرایط کنونی اشاره کرده بود. یکی از موارد مهم در تردید معامله‌گران، ابهامات پیرامون وضعیت متغیرهای اثرگذار بر روند بازارهاست که می‌تواند در سطح انتظارات فعالان بورس تهران اثر قابل‌توجهی داشته باشد این موضوع سبب شده تا بازار سهام به‌عنوان بازاری غیرجذاب برای سرمایه‌گذاران تلقی شود.

در همین رابطه حجت سرهنگی، کارشناس بازار سرمایه در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به وضعیت این روزهای بازار سرمایه اظهار کرد: همچنان شاهد سنگینی بار عرضه نسبت به تقاضا هستیم. رفتاری که به ناطمینانی‌ها و ابهام‌های موجود نسبت به روند آتی متغیرهای اثرگذار بر عملکرد بنگاه‌های بورسی بازمی‌گردد. از سویی روند نزولی بورس همچنان ادامه دارد این در حالی است که زمانی که شاخص بورس در اردیبهشت‌ماه به سطح ۳میلیون و ۲۰۰ هزار واحد رسید کمتر کسی فکرش را می‌کرد در این مقطع داماسنج بورس به زیر کانال ۲.۵میلیون واحد سقوط کرده باشد. روند نزولی بورس از اواخر اردیبهشت‌ماه شروع شد و شاخص‌ها وارد مسیر نزولی شدند. این روند تاکنون نیز ادامه یافته است. پس از حمله نظامی رژیم صهیونیستی به تاسیسات هسته‌ای کشور و پیشروی ریسک‌های سیاسی، بازار سرمایه همچنان در مسیر کاهش قرار دارد و نقاط حمایتی متعددی را از دست داده است. مهم‌ترین کانال حمایتی ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار واحد نیز شکسته شد. به نظر می‌رسد باند حمایتی بعدی که بتواند مانع ادامه این روند شود، محدوده دومیلیون و ۳۰۰ تا دومیلیون و ۳۵۰ هزار واحد باشد. به گفته این کارشناس، بخش عمده دلایل ریزش شاخص را باید در ریسک‌های سیستماتیک و مسائل مرتبط با آن جست‌وجو کرد. البته عوامل اقتصادی دیگر همچون ناترازی انرژی، وضعیت تولید، نرخ بهره و سایر متغیرها نیز بی‌تاثیر نبوده‌اند. با این حال، نگرانی‌ها و فشارهای ناشی از ریسک‌های سیاسی موجب شده سرمایه‌گذاران با احتیاط بیشتری عمل کنند. نتیجه این شرایط، خروج پول و سرمایه از بازار سهام و حرکت آن به سمت صندوق‌های با درآمد ثابت و صندوق‌های طلا بوده است.

حجت سرهنگی با بیان اینکه در شرایط فعلی بسیاری از شرکت‌ها از منظر ارزندگی در موقعیت مناسبی قرار دارند، اظهار کرد: برخی از این شرکت‌ها نسبت قیمت به درآمد (P/E) سه یا چهار دارند که حتی با فرض فعالیت کمتر در سه ماه از سال، همچنان برای خرید توجیه‌پذیر است. ارزش جایگزینی بسیاری از این شرکت‌ها، حتی صرفاً با در نظر گرفتن ارزش زمین آنها، بیش از ارزش بازاری کنونی است. این موضوع فارغ از دارایی‌های عملیاتی و ماشین‌آلات آنهاست که خود ارزش افزوده قابل‌توجهی دارند. او گفت: بازار در حال حاضر تحت تاثیر شدید

ریسک‌های سیستماتیک است. با این وجود به نظر می‌رسد در انتهای روند نزولی اخیر قرار داشته باشیم. خروج پول شدیدی را طی ماه‌های اخیر شاهد بوده‌ایم. اما به نظر می‌رسد در صورت انتشار حتی کوچک‌ترین خبر مثبت، انتظار می‌رود بازار با سرعت قابل‌توجهی به سمت رشد حرکت کند. پیش‌بینی می‌شود سرمایه‌گذاران تا اواخر مهر و اوایل آبان‌ماه همچنان با احتیاط عمل کنند. در این بازه زمانی با روشن شدن بسیاری از متغیرهای اقتصادی و سیاسی، می‌توان انتظار آغاز حرکت جدی بازار را داشت. انتظار می‌رود در صورتی که ریسک‌های سیاسی کاهش یابد و بازار سهام، بازار سرمایه و از همه مهم‌تر بخش تولید کشور به روال عادی بازگردند و رونق بگیرند؛ این رونق به نفع سرمایه‌گذاران تمام می‌شود.

این کارشناس در مورد بهترین استراتژی برای سهامداران در مقطع فعلی توضیح داد: در شرایط کنونی توصیه به سرمایه‌گذاران نهادی و حقوقی این است که از فروش سهام خود خودداری کنند؛ چرا که در این قیمت‌ها فروش منطقی به نظر نمی‌رسد. هرچند سرمایه‌گذاران حقیقی به دلیل تفاوت در پرتفوی ریسک، شرایط متفاوتی دارند، اما برای سرمایه‌گذاران نهادی بهتر است از تصمیم به فروش پرهیز شود و حتی به تدریج به فکر خرید باشند. نگاهی به تاریخچه فعالیت بسیاری از شرکت‌های بورسی، از جمله شرکت‌های قدیمی نشان می‌دهد که این پنگاه‌ها حتی در دوران جنگ، به فعالیت خود ادامه داده‌اند. این شرکت‌ها دمه‌ها به تولید و ایجاد اشتغال کمک و در برابر تغییرات سیاسی و اقتصادی ایستادگی کرده‌اند. چنین سوابقی ارزش ذاتی بالایی برای این شرکت‌ها ایجاد می‌کند که در ارزیابی سرمایه‌گذاری باید مورد توجه قرار گیرد. به این ترتیب امیدواریم با برطرف شدن ریسک‌های موجود، بازار سرمایه مجدداً رونق گیرد و تمامی سهامداران از این بازگشت بهره‌مند شوند.

دلار از ۹ مرداد تا ۲۵ مرداد در یک کریدور مشخص نوسان کرده است. در این مدت حداقل قیمت ۹۰ هزار و ۵۰۰ تومان و سقف آن ۹۳ هزار و ۲۰۰ تومان بوده است. به نظر می‌رسد دلار در همین محدوده تثبیت شده و نوسانات آن چندان هیجانی نیست. هرچند کارشناسان می‌گویند نوسان دلار در بازه ۹۰ تا ۹۵ هزار تومان طبیعی است، اما نکته مهم کاهش دامنه تغییرات در هفته‌های اخیر است؛ موضوعی که نشان می‌دهد هیجان از بازار درخت بسته و فضای معاملات آرام‌تر شده است.	
روز گذشته نرخ دلار با ثبت رقم ۹۲ هزار و ۷۰۰ تومان، نسبت به معاملات پایان هفته گذشته افتی حدود نیم درصدی را تجربه کرد. این روند نشان می‌دهد بازار در مسیر کم‌نوسانی حرکت می‌کند و احتمالاً در روزهای آینده نیز همین الگو ادامه خواهد داشت. قیمت دلار همچنان نسبت به قله ابتدای سال در سطح پایین‌تری قرار دارد.	
در ۱۸ ورودی‌نرخ دلار ۱۰۵ هزار تومان بالا رفت، اما بسیاری از کارشناسان معتقدند آن افزایش بیشتر ناشی از فشار روانی بوده و رقم تعادلی دلار در شرایط فعلی کمتر از ۱۰۰ هزار تومان است. از نگاه فعالان بازار، دو عامل اصلی بر آینده نرخ ارز تاثیرگذار است: میزان درآمدهای نفتی دولت و نحوه ورود ارز توسط صادرکنندگان بزرگ. در حال حاضر حدود ۷۰درصد معاملات ارزی در «مرکز مبادله ارز و طلا» انجام می‌شود.	

داستان ناامیدی سرمایه‌گذاران از بورس تهران

رفتار سرمایه‌گذاران حقیقی در این سال‌ها تغییر بنیادین کرده است. همان کسانی که در ۱۳۹۸ و اوایل ۱۳۹۹ با هیجان در صف‌ها طوفانی خرید می‌ایستادن، حالا با کوچک‌ترین نشانه ریسک با افت قیمت، اقدام به فروش می‌کنند. حتی برخی ترجیح می‌دهند زیان‌های سنگین خود را شناسایی کنند و پولشان را به بازارهای امن‌تر ببرند. این تغییر رفتار نتیجه مستقیم بی‌اعتمادی عمیق به سیاستگذاران و ساختار بازار است. تجربه تلخ ریزش ۹۹ و زیان‌های بعدی باعث شده که بسیاری از سهامداران، حتی در صورت بروز روندهای مثبت کوتاه‌مدت، به بازار به چشم یک فرصت گذرا نگاه کنند و آن را محلی برای سرمایه‌گذاری بلندمدت تلقی نکنند.

مقصر اوضاع بورس

بخش بزرگی از مشکلات بورس، ریشه در سیاست‌های متناقض و کوتاه‌مدت دارد. دولت‌ها در سال‌های اخیر، بورس را گاه به‌عنوان ابزار تأمین مالی و فروش دارایی‌های خود استفاده کرده‌اند و گاه آن را قربانی سیاست‌های کنترل تورم یا سرکوب قیمت‌ها کرده‌اند. نتیجه این رفتار دوگانه، بازاری فرسوده و بی‌اعتماد است که سرمایه‌گذار در آن، نه از حمایت منطقی برخوردار است و نه از پیش‌بینی‌پذیری حقایق. حتی وعده‌های مکرر برای حمایت از بورس اغلب با حد‌شمار باقی‌مانده یا اقدامات موقتی و کوتاه‌مدت همراه بوده که به محض تغییر شرایط، اثر خود را از دست داده‌اند.

چشم‌انداز مبهم

با وجود تمام مشکلات، بورس همچنان یکی از مهم‌ترین بازارهای مالی کشور است و ظرفیت بالقوه بالایی برای تأمین مالی و ایجاد ارزش افزوده دارد. اما تحقق این ظرفیت، بدون بازسازی اعتماد عمومی و ایجاد ثبات در سیاست‌گذاری ممکن نیست. تا زمانی که خروج سرمایه ادامه دارد و سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند دارایی خود را به بازارهای امن‌تر منتقل کنند، نمی‌توان انتظار رونق پایدار در بورس داشت. کاهش ریسک‌های سیاسی، پایان دادن به قیمت‌گذاری دستوری، تغییر سیاست ارزی و ایجاد شفافیت در تصمیمات اقتصادی، تنها بخشی از الزامات بازگشت اعتماد به این بازار است. در غیر این صورت، همان‌طور که آمارها نشان می‌دهد، روند نزولی شاخص‌ها و تداوم خروج سرمایه، به سرنوشت غالب بورس ایران تبدیل خواهد شد؛ بازاری که روزی با امیدمیلیون‌ها نفر به قله رسید، اما امروز در دره بی‌اعتمادی گرفتار شده است.

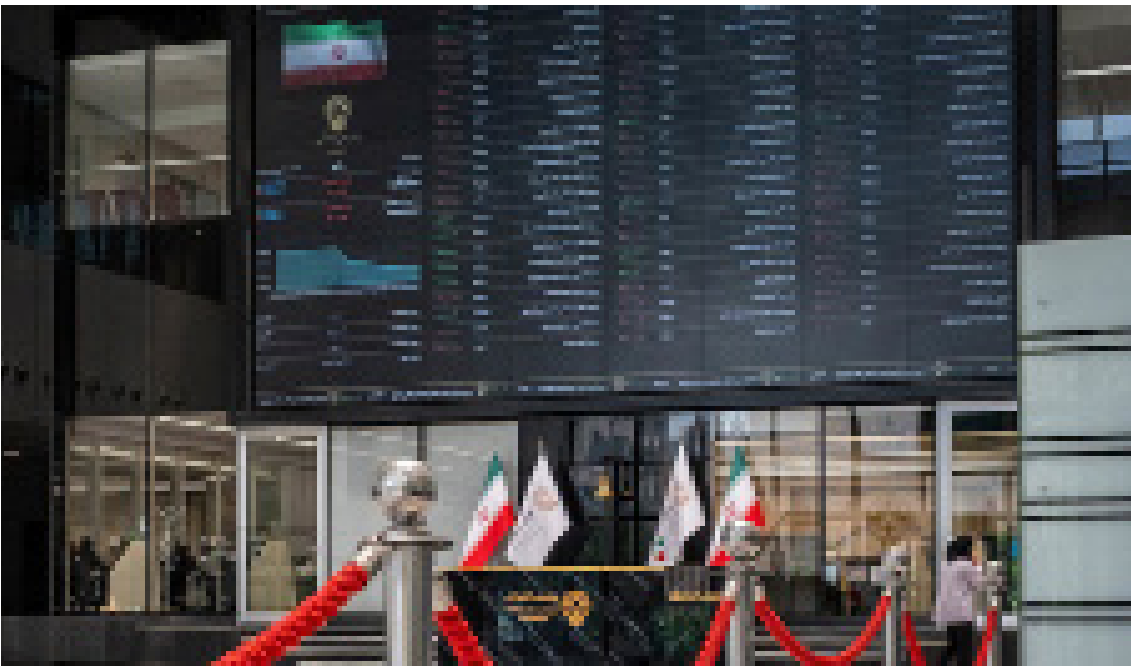
چشم‌انداز مبهم

با وجود تمام مشکلات، بورس همچنان یکی از مهم‌ترین بازارهای مالی کشور است و ظرفیت بالقوه بالایی برای تأمین مالی و ایجاد ارزش افزوده دارد. اما تحقق این ظرفیت، بدون بازسازی اعتماد عمومی و ایجاد ثبات در سیاست‌گذاری ممکن نیست. تا زمانی که خروج سرمایه ادامه دارد و سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند دارایی خود را به بازارهای امن‌تر منتقل کنند، نمی‌توان انتظار رونق پایدار در بورس داشت. کاهش ریسک‌های سیاسی، پایان دادن به قیمت‌گذاری دستوری، تغییر سیاست ارزی و ایجاد شفافیت در تصمیمات اقتصادی، تنها بخشی از الزامات بازگشت اعتماد به این بازار است. در غیر این صورت، همان‌طور که آمارها نشان می‌دهد، روند نزولی شاخص‌ها و تداوم خروج سرمایه، به سرنوشت غالب بورس ایران تبدیل خواهد شد؛ بازاری که روزی با امیدمیلیون‌ها نفر به قله رسید، اما امروز در دره بی‌اعتمادی گرفتار شده است.

چشم‌انداز مبهم

با وجود تمام مشکلات، بورس همچنان یکی از مهم‌ترین بازارهای مالی کشور است و ظرفیت بالقوه بالایی برای تأمین مالی و ایجاد ارزش افزوده دارد. اما تحقق این ظرفیت، بدون بازسازی اعتماد عمومی و ایجاد ثبات در سیاست‌گذاری ممکن نیست. تا زمانی که خروج سرمایه ادامه دارد و سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند دارایی خود را به بازارهای امن‌تر منتقل کنند، نمی‌توان انتظار رونق پایدار در بورس داشت. کاهش ریسک‌های سیاسی، پایان دادن به قیمت‌گذاری دستوری، تغییر سیاست ارزی و ایجاد شفافیت در تصمیمات اقتصادی، تنها بخشی از الزامات بازگشت اعتماد به این بازار است. در غیر این صورت، همان‌طور که آمارها نشان می‌دهد، روند نزولی شاخص‌ها و تداوم خروج سرمایه، به سرنوشت غالب بورس ایران تبدیل خواهد شد؛ بازاری که روزی با امیدمیلیون‌ها نفر به قله رسید، اما امروز در دره بی‌اعتمادی گرفتار شده است.

چرخش بورس در ساعات پایانی



فرحناز نعمتی – بازار سهام روز گذشته نیز با ناکامی شاخص‌ها، مجدداً در مسیر نزولی گام برداشت و با ریزش حدود یک درصدی بازدهی خود از ابتدای سال را به مرز منفی ۱۰درصد رساند.

بورس تهران در هفته‌های گذشته با کسب بازدهی منفی چهرهای متزلزل را به نمایش گذاشته است. سه هفته متوالی است که شاخص بورس می‌ریزد و در محدوده منفی تردد می‌کند. بازار سهام در حالی روزهای نابسامان را می‌گذراند که بازدهی این بازار از ابتدای سال تاکنون به منفی ۹.۵ درصد رسیده که کارنامه قابل‌قبولی به‌شمار نمی‌رود. در همین حال افزایش ناطمینانی سیاسی درخصوص پرونده هسته‌ای ایران موجب شده تا فضای احتیاط بر معاملات تالار شیشه‌ای سایه افکند.

گفت‌وگوی «دنیای اقتصاد» با کارشناسان بازار سرمایه حاکی از آن است که تداوم روند نزولی بورس در نتیجه ابهامات سیاسی و ناترازی‌های بخش انرژی صورت گرفته است. قرار داشتن نرخ بهره بدون ریسک در سطوح بالا، ناترازی انرژی که منجر به کاهش فعالیت واحدهای تولیدی شده و همچنین نبود چشم‌انداز مشخص از روابط خارجی کشور در ماه‌های پیش‌رو از مهم‌ترین عواملی است که موجب شده جریان تقاضا از بورس تهران روی برگرداند. از همین منظر تا پایداری وضعیت کنونی معاملات بازارهای دارایی نیز محتاطانه دنبال خواهد شد. طبیعتاً در چنین شرایطی «سهام» به عنوان دارایی پربریک شناخته شده و فاقد جذابیت برای سرمایه‌گذاران است. اما عقبگرد بورس تا کجا ادامه دارد؟ براساس اظهارات کارشناسی، رفتار بورس تهران به‌صورت تاریخی توام با دوره‌های متناوب رونق و رکود بوده است. این سیرال تکراری بارها در بورس تهران اتفاق افتاده و بسیاری از فعالان و به ویژه تازه‌واردها از ترس ریزش بیشتر اسیر موج‌های نزولی شده و از بازار خارج شده‌اند. این در حالی است که فارغ از هیجانات منفی کنونی بررسی سابقه بازار سهام نشان می‌دهد، برخی گروه‌ها بعد از ریزش‌های مقطعی نیز از فرصت و پتانسیل‌های سودآوری برخوردارند. به این ترتیب و پس از یک دوره نسبتاً کوتاه، روند صعودی در این گروه‌ها آغاز خواهد شد.



خروج هیجان از بازار دلار

دلار از ۹ مرداد تا ۲۵ مرداد در یک کریدور مشخص نوسان کرده است. در این مدت حداقل قیمت ۹۰ هزار و ۵۰۰ تومان و سقف آن ۹۳ هزار و ۲۰۰ تومان بوده است. به نظر می‌رسد دلار در همین محدوده تثبیت شده و نوسانات آن چندان هیجانی نیست. هرچند کارشناسان می‌گویند نوسان دلار در بازه ۹۰ تا ۹۵ هزار تومان طبیعی است، اما نکته مهم کاهش دامنه تغییرات در هفته‌های اخیر است؛ موضوعی که نشان می‌دهد هیجان از بازار درخت بسته و فضای معاملات آرام‌تر شده است.	
روز گذشته نرخ دلار با ثبت رقم ۹۲ هزار و ۷۰۰ تومان، نسبت به معاملات پایان هفته گذشته افتی حدود نیم درصدی را تجربه کرد. این روند نشان می‌دهد بازار در مسیر کم‌نوسانی حرکت می‌کند و احتمالاً در روزهای آینده نیز همین الگو ادامه خواهد داشت. قیمت دلار همچنان نسبت به قله ابتدای سال در سطح پایین‌تری قرار دارد.	
در ۱۸ ورودی‌نرخ دلار ۱۰۵ هزار تومان بالا رفت، اما بسیاری از کارشناسان معتقدند آن افزایش بیشتر ناشی از فشار روانی بوده و رقم تعادلی دلار در شرایط فعلی کمتر از ۱۰۰ هزار تومان است. از نگاه فعالان بازار، دو عامل اصلی بر آینده نرخ ارز تاثیرگذار است: میزان درآمدهای نفتی دولت و نحوه ورود ارز توسط صادرکنندگان بزرگ. در حال حاضر حدود ۷۰درصد معاملات ارزی در «مرکز مبادله ارز و طلا» انجام می‌شود.	

بورس پس از سال ۹۹، دیگر آن زرق و برق سابق را ندارد؛ پس از ریزش فجیع قیمت‌ها در مرداد سال ۹۹، هر چند روندهای صعودی کوتاهی در بازار متولد شده، اما این روندها ادامه‌دار نبوده است. خروج مستمر پول حقیقی از بازار سهام اما تکراری‌ترین داستان در بورس بوده است. از قله مرداد ۹۹ به بعد، حدود ۴هزار۳میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شده است. بعد از جنگ تحمیلی ۱۲،روزه نیز، روند غالب در تالار شیشه‌ای خروج پول حقیقی بوده است.

در زمان بروز یا تشدید ریسک‌ها، چه از جنس سیاسی و ژئوپلیتیک و چه اقتصادی، سرمایه‌گذاران معمولاً به دنبال کاهش سریع سطح ریسک سید دارایی خود هستند. در این میان، سهام اغلب نخستین گزینه برای فروش قرار می‌گیرد. دلیل اصلی این رفتار، ماهیت ذاتاً پربریک بازار سهام است؛ قیمت سهام نسبت به اخبار و رویدادهای منفی واکنش سریع و شدیدی نشان می‌دهد و همین امر باعث می‌شود سرمایه‌گذاران برای جلوگیری از زیان بیشتر، زودتر به نقد کردن آن اقدام کنند. از منظر نقدشوندگی، سهام نسبت به بسیاری از دارایی‌ها، امکان فروش سریع‌تر می‌دارد. این ویژگی اگرچه در شرایط عادی یک مزیت است، اما در زمان بحران به عاملی برای خروج سریع سرمایه بدل می‌شود. به علاوه، در دوره‌های تنش، انتظارات سرمایه‌گذاران به سمت حفظ ارزش دارایی‌ها و نه کسب بازده بالا سوق پیدا می‌کند؛ در نتیجه، دارایی‌های امن‌تر مانند طلا، ارز با سپرده بانکی جذاب‌تر می‌شوند.

روند ورود و خروج پول

بازار سهام ایران در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹، شاهد یکی از کم‌سابقه‌ترین موج‌های ورود سرمایه حقیقی بود. فضای پرهیجان آن روزها، ترکیبی از تبلیغات دولتی، تشویق سیاستگذاران و رشد بی‌سابقه قیمت‌ها، بسیاری از سرمایه‌گذاران خرد را به تالار شیشه‌ای کشاند. تنها در فاصله ابتدای سال ۱۳۹۹ تا قله تاریخی ۱۹مرداد همان سال، بیش از ۱۱۴ هزار میلیارد تومان پول حقیقی وارد بورس شد. در آن زمان، شاخص کل رکوردها را پی‌درپی شکست و بسیاری، بورس را بهترین بازار برای حفظ ارزش پول می‌دانستند. اما همه چیز در مرداد ۹۹ تغییر کرد؛ ریزش تاریخی بازار، که به دلیل حباب قیمتی، سیاست‌های ناکارآمد، مداخلات دستوری و ره شدن بازار در توفان عرضه رقم خورد، نه تنها میلیون‌ها سهامدار را دچار زیان کرد؛ بلکه اعتماد عمومی به بازار سهام را به‌شدت تضعیف کرد. بعد از آن سقوط، دیگر بورس هرگز نتوانست به همان جایگاه ذهنی در بین

سال‌ها از ناترازی‌ها صحبت می‌شود و عدم توجه سیاستگذاران به ناترازی‌ها، بحران‌های متعددی را رقم زده است. ناترازی‌های بورسی نیز یکی از آنها است. در همین راستا برخی از الزامات برای عمق بخشی و هدایت سرمایه‌ها به شفاف‌ترین بازار کشور که همان بورس است اشاره می‌شود. برخی الزامات برای عمق‌بخشی و هدایت سرمایه‌ها به بازار شفاف سهام	
۱) نقدشوندگی؛ پاشنه آشیل بازار سرمایه:طبق ادبیات مالی، وظیفه اصلی بازار مالی و بورس فراهم کردن بستری است که اصطکاک مالی کاهش یابد، به‌طوری که اشخاص و شرکت‌های دارای مازاد مالی بتوانند با سهل‌ترین روش و کمترین هزینه، منابع خود را در اختیار اشخاص و شرکت‌های دارای نیاز مالی قرار دهند. در همین راستا نقدشوندگی پلی است که این اتصالات را فراهم می‌کند و منجر به کاهش اصطکاک مالی می‌شود. نقدشوندگی در بازار سرمایه نه فقط یک شاخص فنی، بلکه بنیانی برای تحقق اهداف کلان بازار شامل تأمین مالی، کشف بهینه قیمت،	

شفافیت، معرفی ابزار جدید و… است.

نقدشوندگی با ارزش معاملات مرتبط است. ولی باید توجه داشت در اقتصادهای تورمی صرفاً ارتقای ارزش معاملات منجر به افزایش نقدشوندگی نخواهد شد. زیرا باید اثر تورم و کاهش قدرت خرید ارقام پولی، مدنظر تحلیل‌گران قرار گیرد.

برای مثال، تطبیق ارزش معاملات خرد روزانه در سال ۱۳۹۹ و وضعیت فعلی، بیانگر افت معنادار نقدشوندگی است. در سال ۱۳۹۹ ارزش معاملات خرد روزانه به بالای ۲۰ هزارمیلیارد تومان رسید، که با تعدیل تورم و لحاظ کاهش ارزش پول، معادل ۸۰ هزارمیلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ خواهد بود؛ یعنی ارزش واقعی معاملات ۱۴۰۴ (قبل از جنگ تحمیلی) با لحاظ تورم تقریباً یک‌چهارم سال ۹۹ است. اگر ارزش معاملات خرد روزهای اخیر را مدنظر قرار دهیم ارزش واقعی معاملات به یک بیستم تقلیل خواهد یافت. این افت نشان‌دهنده ضعف بنیادی در عمق

روزنامه در اقتصاد

یکشنبه ۲۶ مرداد ماه ۱۴۰۴ • شماره ۷۴۱
www.marzeghtesad.ir

❖ **خط قرمز جدید در تسهیلات روستایی**
معاون توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست‌جمهوری اعلام کرد در روستاهایی که با تنش آبی مواجه‌اند هیچ‌گونه تسهیلات به‌طرح‌های آبرابر اختصاص نخواهد یافت.

این تصمیم باهدف تحقق عدالت زیست‌محیطی و اصلاح نظام تخصیص منابع اتخاذ شده است. عبدالکریم حسین‌زاده، معاون رئیس‌جمهور در امور توسعه روستایی و مناطق محروم در نشست خبری با خبرنگاران که در سه‌شنبه گذشته برگزار شد، گفت، بر اساس این سیاست، همه طرح‌های اقتصادی مشمول حمایت باید «پیوست پایداری آب» داشته باشند تا از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پرمصرف آب جلوگیری شود.

این تغییر رویکرد، بخشی از برنامه توزیع متوازن منابع است که به گفته او، در گذشته بیشتر تحت تاثیر فشار و رانت بوده تا شاخص‌های واقعی توسعه در واقع. این تغییر سیاست با هدف تحقق عدالت زیست‌محیطی و اصلاح نظام تخصیص منابع در استان‌ها و شهرستان‌ها صورت می‌گیرد. معاون توسعه روستایی در ادامه به سیاست‌های اشتغال اشاره کرد که با کاهش اشتغال ناقص، مسیر مهاجرت روستا به شهر معکوس خواهد شد.

به گفته او، کاهش اشتغال ناقص در روستاها یکی از اولویت‌های ماست؛ زیرا کاهش این شاخص، مستقیما مهاجرت را کم و تولید پایدار را تقویت می‌کند. آموزش مهارت‌های نوین، به‌ویژه در حوزه‌های فناوریانه، محور برنامه‌های اشتغال پایدار خواهد بود. داده‌های جمعیتی و اقتصادی این معاونت نشان می‌دهد استان‌هایی که اشتغال ناقص کمتری دارند، سهم بالاتری در تولید ناخالص داخلی کشور دارند. بخش دیگری از سخنان او به «سامانه جامع نظارت بر طرح‌های روستایی معاونت روستایی ریاست جمهوری» اختصاص داشت.

این سامانه با همکاری بیش از ۱۲۰۰ نیروی جهادی و استفاده از فناوری GIS، اجرای بیش از ۵۸ هزار پروژه زیربنایی را در روستاها به‌صورت برخط رصد می‌کند. به گفته او، سامانه مذکور امکان تحلیل کمی و کیفی، پایش مرحله‌ای و بازگذاری مستندات پروژه‌ها را فراهم کرده و می‌تواند ضعف‌دیرینه «حکمرانی داده» در حوزه روستایی را برطرف کند. به گفته حسین‌زاده، دسترسی به داده‌های دقیق و شفاف، شرط لازم برای برنامه‌ریزی صحیح و تخصیص منابع است؛ امری که می‌تواند الگوی سرمایه‌گذاری در روستاها را تغییر داده و مسیر توسعه پایدار را هموار کند.

یکی از نکات قابل‌توجه مطرح‌شده در این نشست، اتکا و به‌روری از ظرفیت جامعه محلی در جهت توسعه روستاها و مناطق محروم و نقش تسهیل‌گرایانه دولت بوده‌است، زیرا به گفته حسین‌زاده، توسعه روستایی تنها از مسیر برخورداری از ظرفیت مردم روستایی و بومی شکل می‌گیرد و باید روستاها پای کار بیایند تا به توسعه پایدار دست یافت و دستگاه‌ها باید عملکرد تسهیل‌گراانه داشته باشند.

در واقع بدون حضور بومیان، صرفا با حضور مدیران و شرکت‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان نمی‌توان به اهداف مورد نظر در راستای تحقق توسعه در روستاها مخصوصا در مناطق کم‌برخوردارتر رسید. روستاییان به‌عنوان نیروی فعال و اصلی باید به کار گرفته‌شوند که این موضوع هم به اشتغال و هم مهاجرت معکوس خواهد انجامید. در مجموع معاونت توسعه روستاها و مناطق محروم ریاست جمهوری طی یکسال اخیر بر چهار موضوع «تبدیل اشتغال ناقص در روستاها به اشتغال پایدار»، «توسعه فناوریانه» «توانمندسازی و آموزش به روستاییان» و «آموزش جامع روستایی برای کسب درآمد و تولید از طریق تسهیل‌گران» تمرکز کرد تا با درآمزایی و برخورداری از اکوسیستم فناوریانه، درآمدها به خود روستاییان بازگردد و از میزان فقر در جوامع روستایی کاسته شود.

به‌رغم اینکه ۲۹ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را روستاها تأمین می‌کنند، اما فقط ۲۰درصد از جمعیت کشور در روستاها زندگی می‌کنند و دلیل فقدان سیاستگذاری‌های هدفمند تا به امروز، روستای زیادی امروزه خالی از سکنه هستند.

❖ **۳ هزار روستابازار برای عرضه مستقیم محصولات کشاورزی ایجاد می‌شود**
مدیرعامل سازمان تعاون روستایی از برنامه‌ریزی برای توسعه ۳ هزار روستابازار و عرضه مستقیم کالاهای اساسی در کشور تا پایان دولت خبر داد.

محمدرضا طلاایی، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران اظهار کرد: ساختار تعاون روستایی بیش از ۶۰ سال سابقه دارد و نقش آن تصدی‌گری نیست بلکه نظارت و سیاست‌گذاری بر تشکل‌هایی است که توسط خود کشاورزان و تولیدکنندگان ایجاد شده‌اند.

وی افزود، بر اساس مصوبه مجلس در برنامه هفتم توسعه، دولت مکلف است تا پایان این برنامه سهم تشکل‌های بخش کشاورزی را به ۲۰ درصد بازار برساند تا واسطه‌های غیر ضروری حذف و هزینه‌های مصرف‌کننده کاهش یابد.

مدیرعامل سازمان تعاون روستایی تصریح کرد: هدف این است که مسیر تولید از مزرعه تا سفره کوتاه‌شود و تشکل‌هایی که از دل روستا شکل گرفته‌اند این نقش را ایفا کنند. وزیر جهاد کشاورزی نیز سیاست‌هایی را از ابتدای مسئولیت خود برای کاهش این فاصله در پیش گرفته و به تازگی به تشکل‌های زیرمجموعه سازمان تکلیف کرده که برای خرید، ذخیره‌سازی و توزیع برنج وارد عمل شوند.



همه ناراضی از چرخه نان

❖ **بی‌تأحسن پور –** مداخله گسترده دولت، باعث انحراف در بازار نان شده‌است. کشاورزان از قیمت و روند خرید تضمینی گندم رضایت ندارند. ناآوایان نسبت به افت در آمد بنگاه خود شکایت دارند.

مداخله گسترده دولت، باعث انحراف در بازار نان شده است. کشاورزان از قیمت و روند خرید تضمینی گندم رضایت ندارند. ناآوایان نسبت به افت درآمد بنگاه خود شکایت دارند و درنهایت شهروندان نیز به افزایش قیمت و افت کیفیت این کالای اساسی اعتراض می‌کنند. این وضعیت به وضوح نابسامانی در این بازار را به تصویر می‌کشد. درحالی‌که دولت پارانه قابل‌توجهی را به زنجیره تولید نان تخصیص می‌دهد، اما این پارانه به درستی به تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان منتقل نشده است. در ماه‌های اخیر قیمت نان در نواحی‌های پارانهای و آزادپز مناطق مختلف کشور افزایش یافته است. چندی پیش معاون اقتصادی استانداری تهران از افزایش قیمت نان در تهران و بعضی شهرستان‌های متصل خبر داد. براساس مصوبه اخیر، قیمت نان در تهران ۵۲ درصد افزایش یافت و در شهرستان‌های متصل هم تا ۴۰۲ درصد رشد داشته است. رشد قیمت نان تنها مربوط به تهران نیست و در استان‌های دیگر هم قیمت نان افزایش یافته است. این رشد قیمتی درحالی است که بخش بزرگی از مردم از گرانی نان و ناآوایان از ارزانی آن گلایه دارند. در میان بحث‌های قیمتی، عموما کیفیت و سلامت نان نیز به فراموشی سپرده می‌شود. خبرنگار «دنیای اقتصاد» برای بررسی شرایط در این زنجیره مهم و اثرگذار در تأمین معیشت، به میان مردم رفته است و نظرات افراد مختلف را جویا شده است. نان در هتک ما جایگاه ممتازی دارد، نان قوت غالب بخش بزرگی از مردم در طول سالیان بوده است. از این‌رو سخن گفتن از آن ساده نیست. کمالاتیکه اصلاح فرآیند تولید، فروش، ارتقا کیفیت و اصلاح قیمت نان نیز پیچیدگی‌های بسیاری دارد.

برده اول: نان گران

برای پرسوجو درباره قیمت نان به یک ناولی آزادپز می‌روم. خانم میناسالی حیران است. از او می‌پرسم چه شده؟ پاسخ می‌دهد: «۳ نان سنگک خشکاشی را ۱۵۰ هزار تومان خریدم. روزهای تعطیل که فرزندانمان به خانمان می‌آیند، نان سنگک کنجدی می‌خریم. امروز هم طبق روال هر هفته به این ناولی آمدم و ۳ نان خواستم. اما ناآوا همان ۳ نان همیشگی را ۱۵۰ هزار تومان محاسبه کرد. اول گمان بردم اشتباه کرده‌ام اما می‌گوید نان گران شده است. آخر ۳ نان ۱۵۰ هزار تومان، مگر می‌شود؟ ما بازنشسته‌ایم. وقتی نان انقدر گران شده، با حقوق بازنشستگی چطور زندگی کنیم؟» این روزها اعتراض به گرانی نان در میان مردم قوت گرفته است. این گرانی در مناطق مختلف شهر متفاوت است. به بیانی هر منطقه‌ای کشتی برای قیمت نان دارد. اما آنچه که میان مردم در اغلب نقاط شهر، مشترک است، اعتراض به قیمت نان است.

برده دوم: نان ارزان

آن‌سوی ماجرای گرانی نان و اعتراض مردم به افزایش قیمت‌ها، ناآوایانی هستند که از بهای پایین نان گلایه دارند. این گلایه در حالی است که ناولی یکی از سخت‌ترین مشاغل محسوب می‌شود. ساعت‌ها کار کردن پای تورر گرم‌شور است. برای پرسوجو درباره قیمت نان و شغل ناولی به یاد آقا سید می‌افتم. ناولی که در محله پدربزرگم مغازه داشت. خوشرو و مهربان است، من را هم از قدیم می‌شناسد و اگر وقت داشته باشد، حرف برای گفتن زیاد دارد. به محله مهرآباد تهران می‌روم و با او صحبت می‌کنم. از قیمت نان می‌پرسم. از اینکه پخت نان برایتان می‌صرف یا خیر؟

آقا سید می‌گوید: «نان بربری ساده را با قیمت ۱۰ هزار تومان به دست مشتری می‌دهم، اما نمی‌صرف. قیمت واقعی همین نان پخته شده با آرد دولتی، ۲۰ هزار تومان است. اگر شرایط به همین متوال باشد، ناچارم تا چند ماه آینده کرکره مغازه را پایین بکشم. امسال هزینه‌های کار به شدت بیشتر شده است. من مالک مغازه هستم و کرایه‌ای بابت آن پرداخت نمی‌کنم اما باز هم نمی‌صرف. سال گذشته هزینه بیمه ۲ نفر ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بود. اما امسال ماهانه ۹ میلیون تومان برای حق بیمه پرداخت می‌کنم»

ناوای خوش‌صحت و قدیمی محل، فروش نان کنجدی را راهکاری برای تالباوری در شرایط کنونی عنوان می‌کند و می‌افزاید: «تنها ناچاریم به کسانی که می‌خواهند نان کنجدی بفروشیم تا از زیان‌مان کاسته شود. اما کار کردن با این قیمت‌ها صرفه ندارد. به زودی ناچار به تعطیل کردن خواهیم بود.» از آقا سید درباره قیمت هر کیسه آرد دولتی و آزاد می‌پرسم و اینکه روزانه چه تعداد پخت دارند. پاسخ می‌دهد: «حداقل روزانه ۱۰۰۰ عدد نان بربری پخت می‌کنیم. این تعداد در روزهای پنج‌شنبه به ۲۰۰۰ عدد هم می‌رسد.

آرد آزاد را کیسه‌ای یک‌میلیون و ۲۵۰ هزار تومان می‌خریم. اگر شانه نان را درست ببرم، یک کیسه آرد ۱۱۰ نان بربری می‌دهد. یعنی با احتساب قیمت آرد

آزاد، حتی هزینه آرد ما هم تأمین نمی‌شود. به‌علاوه آنکه خرید و پخت نان با آرد آزاد در بسیاری از مناطق شهر، به صرفه نیست. همین منطقه کتش فروش نان با احتساب آرد آزاد را ندارد.» وی می‌گوید: «گر مردم ناراضی باشند با ۱۲۴ تماس می‌گیرند و ما به سرعت جریمه می‌شویم؛ جریمه‌های کلان چند ده‌میلیونی.» ناآوا ادامه می‌دهد: «هن ۳ پسر دارم. یکی ۱۴ ساله، یکی ۱۰ ساله و دیگری ۱۴ ساله است. اجازه نمی‌دهم هیچ کدامشان ناآوایی کنند. باینکه من خودم از کودکی وارد این حرفه شدم. اگر به‌جای ناآوایی، سوپرمارکت زده بودم، اکنون وضعم فرق داشت. حداقل یکی از پسرهایم در آینده می‌توانستند بدون دغدغه کلزم کار کنند و درآمد کافی داشته باشند. اما این شغل درآمد ندارد.»

آقا سید از قطع برق هم گلایه‌مند است و می‌گوید: «قطع برق در ساعات پایانی روز مانع پخت ما می‌شود. اگر قرار باشد برق در این منطقه ساعت ۵ تا ۷ عصر قطع شود، عملا نمی‌توانیم خمیر بگیریم و پخت آخر را انجام بدهیم. شروع کار پخت یعنی خمیرگیری از ساعت ۷ عصر نیز غیرمنطقی است. چراکه پخت به حدود ساعت ۹ شب می‌رسد و عملا نان فروش نمی‌رود. بنابراین در روزهایی که قطع برق در ساعات پایانی روز است، عملا یک پخت خود را از دست می‌دهیم، اما مشکل اصلی اینجاست که این عدم پخت در سامانه «نای‌تو» با عنوان تعطیلی قید می‌شود و عملا از سهمیه آرد ما کاسته خواهد شد. یعنی من هم کسبی‌ام متوقف می‌شود و هم سهمیه‌ام را از دست می‌دهم. خب این چه انصافی است؟»

برده سوم: مهاجرین در صف نان

خرید نان با تعداد بالا توسط مهاجران افغانستانی یکی از موضوعات مهمی است که در خبرهای فضای مجازی دست به دست می‌شود. کارگران افغانستانی، ناچارند بخش بزرگی از معیشت خانواده خود را با اتکا به نان تأمین کنند. یکی از کودکان افغانستانی حضور در صف خرید نان را جزو تجربه تلخ خود می‌داند و می‌گوید: «صف نان برای ما معنی ندارد. هر کسی می‌تواند به با بگویم شما افغانستانی‌ها نان ما را می‌خورید. ما با وجود ساعت طولانی کار، درآمد پایینی داریم و نان به‌ناچار غذای اصلی ماست.» این نوجوان متولد ایران که والدینی افغانستانی دارد می‌گوید: «در این روزهایی که فشار برای خرید نان توسط مردم افغانستان شدت گرفته، ترجیح می‌دهیم نان لواش بخریم. به این دلیل که متقاضیان خرید نان لواش کمتر از سنگک و بربری هستند.»

برده چهارم: مدیریت نان در شهرستان‌ها

برای بررسی معضلات نان در شهرستان‌ها با یکی از دوستانم که در هشتگرد زندگی می‌کند، صحبت می‌کنم. او می‌گوید: «برخورد با گران‌فروشی نان (خارج از نرخ‌های رسمی) در شهرستان‌ها با شدت بیشتری اجرایی می‌شود. اما این سخت‌گیری مشکلاتی را برای تأمین نان مورد نیاز مردم ایجاد می‌کند. آرد دولتی که در اختیار ناآوایان قرار می‌گیرد، در اغلب مناطق کشور، به‌مراتب محدودتر از نیاز مردم آن منطقه است. برهمین‌اساس نیز چنانچه قرار باشد یک ناآوا، تنها با اتکا به آرد دولتی پخت کند، ناچار است پخت‌های محدودتری داشته باشد. این پخت محدود با تعطیلی‌ها گاهی به طولانی شدن صف نان در شهرستان‌ها منجر شده است. به بیان دقیق‌تر سیاست‌های تعزیرات با هدف کنترل نرخ نان نتیجه نامطلوب صف‌های طولانی را در شهرستان‌ها به همراه داشته است.»

برده پنجم: نگاه کارشناسی

حجت ورم‌زاری مدیر گروه کشاورزی و توسعه روستایی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» در ارزیابی نارضایتی‌های حاکم بر زنجیره تولید و مصرف زنجیره نان کشور گفت: این زنجیره از کشاورزان و تولیدکنندگان گندم آغاز می‌شود. در حلقه‌های بعدی کارخانه‌های تولید آرد، ناآوایان و مردم به‌عنوان مصرف‌کننده نهایی قرار دارند.

ورم‌زاری گفت: سال‌ها است که گندم با قیمت تضمینی از کشاورز خریداری می‌شود. درحالی‌که در اغلب سال‌ها کشاورز نسبت به قیمت خرید تضمینی، معترض است. درهمین‌حال دولت برخلاف قرارداد خرید تضمینی، هزینه گندم را با دیرکرد قابل‌توجهی پرداخت می‌کند. به‌علاوه آنکه در موارد متعددی گندم‌کاران خرده مالک نمی‌توانند محصول خود را از به مراکز خرید دولت ارسال کنند، بنابراین ناچارند گندمشان را با قیمت پایین‌تر به دلال بفروشند. درهمین‌حال باید تأکید کرد که اراضی کشاورزی عمدتا خرد هستند، همین موضوع باعث می‌شود هزینه تولید افزایش یابد. در چنین شرایطی گاهی زمزمه‌هایی مبنی بر عقب‌نشینی از تولید حکاکتری گندم و جایگزینی واردات به میان می‌آید، که سیاست کاملا اشتباهی است. ما باید به سمت اصلاح تولید در این زنجیره گام برداریم.

مدیرگروه کشاورزی مرکز پژوهش‌های مجلس گفت: حلقه دوم این زنجیره کارخانه‌های آرد هستند. این واحدها نیز مسائل و چالش‌هایی در روند فعالیت خود دارند. باین‌وجود از آنجاکه کارخانه‌های می‌توانند بخشی از سبوس گندم و گیاهک گندم را جدا کنند و به فروش برسانند، درآمد مناسب‌تری دارند. گیاهک گندم منشأ آملاح معدنی و ویتامین‌ها است و بیشترین خواص تغذیاهی را دارد. بنابراین آردی که نهایتاً در مسیر پخت قرار می‌گیرد، این خواص را از دست خواهد داد.

ورم‌زاری گفت: با پیگیری‌های انجام شده توسط مرکز پژوهش‌های مجلس و همچنین با ورود وزارت کشور، وزارت بهداشت و سازمان استاندارد، از سال ۱۴۰۰، استاندارد نان کامل آمده‌ شد. در حال حاضر بخشی از کارخانه‌های تولید آرد یا تعدادی از ناآوایان در هر استانی به سمت تولید نان کامل رفته‌اند. البته ما هنوز با نقطه مطلوب فاصله جدی داریم. مطالعات علمی متعدد حکایت از آن دارد که مصرف نان پخت شده با آرد سفید اثرات نامطلوبی بر سلامت انسان دارد و به رشد بیماری‌های غیرواگیر ازجمله مشکلات گوارشی، دیابت و… منجر می‌شود. این محقق دانشگاهی گفت: در حال حاضر ناآوایان نیز نسبت به قیمت پایین نان معترض هستند. به‌خصوص آنکه دولت برای مدت‌های طولانی بازنگری روی قیمت نان نداشت. در چنین فضایی ناآوایان ناچارند درآمد موردنظر خود را از روش‌های دیگری کسب کنند. فروش اجباری نان کنجد دار، کاهش حجم استاندارد نان، فروش خارج از شبکه آرد دولتی و… به دلیل درآمد پایین ایجاد می‌شود. ورم‌زاری گفت: مصرف‌کنندگان نیز از قیمت و کیفیت نان ناراضی هستند. از زمان دولت نهم، قرار بر اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بود. در همین‌حال ارتقا کیفیت نان نیز در دستور کار قرار گرفت. اما اکنون با نقطه مطلوب فاصله زیادی داریم. نارضایتی جدی میان کشاورزان، ناآوایان و مردم درحالی‌است که دولت سالانه مبالغ هنگفتی را برای خرید تضمینی گندم تخصیص می‌دهد و آرد حاصل از آن را با بهای ارزان در اختیار برخی ناآوایان قرار می‌دهد. این اقدام از چند جهت جای نقد دارد. نخست اینکه خرید تضمینی گندم از کشاورز به معنی حمایت از کشاورز نیست، بلکه این یارانه در اختیار مصرف‌کننده نهایی قرار می‌گیرد. درهمین‌حال خرید این حجم از گندم توسط یک شرکت وابسته به دولت نیز در اغلب کشورها، منسوخ شده است. در اغلب کشورهای دنیا زنجیره تأمین محلی تولید آرد و نان، توسعه‌یافته است. به این ترتیب کشاورز هم در سود تولید آرد و پخت نان سهیم می‌شود. به این ترتیب امکان برای رقابت و تولید نان با کیفیت حاصل می‌شود.

حمید زادبوم در رویداد ارزیابی منطقه ویژه اقتصادی پارسپان افزود: این رویدادها، نقطه عطفی برای بررسی جامع عملکرد، شناسایی فرصت‌های بهبود و تدوین نقشه راهی برای تبدیل پارسپان به قطب سرمایه‌گذاری و تجارت بین‌الملل در خلیج‌فارس به‌شمار می‌روند. وی با تأکید بر جایگاه متمایز این منطقه در اکوسیستم ایمیرو اظهار کرد: پارسپان با وسعت ۹۸۰۰ هکتار، بندر اختصاصی و نزدیکی به منابع گازی عسلویه، بستری بی‌نظیر برای صنایع انرژی‌بر فراهم می‌کند و ظرفیت تبدیل شدن به یکی از تاثیرگذارترین بنادر خلیج‌فارس را دارد. وی اظهار کرد: در راستای عمل به مسئولیت‌های اجتماعی، طرح احداث جاده دشتی به کوشکنار نهایی شده و این طرح طی چند ماه آینده به مرحله مناقصه می‌رسد. وی همچنین گفت: تاکنون بیش از ۳۶ سرمایه‌گذار در این منطقه ویژه اقتصادی جذب شده‌اند که ۱۱ مورد از آنها در حوزه پتروشیمی هستند. پیش‌بینی می‌شود، نخستین صنعت پتروشیمی هرم‌زگان در سال ۱۴۰۵ به بهره‌برداری برسد. همچنین، ۸ سرمایه‌گذار دیگر نیز در حال بررسی شرایط هستند. وی تصریح کرد: منطقه ویژه صنایع انرژی‌بر پارسپان علاوه بر جذب سرمایه‌گذاران در زمینه پتروشیمی و صنایع معدنی، در بخش جنوبی خود نیز دارای معادن است.

زمان «سوخت‌گیری از زباله» در کرمانشاه

و اثربخشی آن اثبات شده است. وزیر کشور خاطرنشان کرد: برای توسعه این طرح در مقیاس بزرگ‌تر، نیاز به ورود تجهیزات تخصصی و تأمین روزانه حداقل ۱۲ تن زباله وجود دارد تا کارخانه بتواند به صورت کامل گاز مصرفی خود را جایگزین کند بر اساس برآوردها، در صورت اجرای کامل این طرح در ۱۸ شهری که تفاهم‌نامه‌ها امضا شده، روزانه پنج‌میلیون مترمکعب در مصرف گاز کشور صرفه‌جویی خواهد شد.مومنی با تأکید بر منافع اقتصادی و زیست‌محیطی این طرح افزود: صرفه‌جویی در مصرف گاز به معنای کاهش وابستگی به منابع فسیلی است کهمیلیون‌ها سال طول می‌کشد تا تولید شوند و این طرح نه تنها به اقتصاد کشور کمک می‌کند، بلکه اثرات زیست‌محیطی بسیار مثبتی دارد. وی با اشاره به حمایت‌های رئیس‌جمهوری از اجرای این طرح گفت: یکی از تفاهم‌نامه‌های مرتبط با این طرح در حضور رئیس‌جمهور امضا شد و ایشان تأکید ویژه داشت که عواید حاصل از صرفه‌جویی گاز، به شهرداری‌ها و کارخانه‌های سیمان اختصاص یابد. وزیر کشور اظهار امیدواری کرد: با اجرای موفق این طرح در کرمانشاه، بتوان آن را در سایر شهرهای هدف نیز توسعه دادوی گفت: گزارش‌ها حاکی از آن است که این مرکز ظرفیت دریافت و استفاده روزانه تا ۲۰ تن پسماند را دارد و امیدواریم براساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، شاهد اجرای موفق طرح در سراسر کشور باشیم.

روزانه ۵میلیون مترمکعب گاز صرفه‌جویی خواهد شد. مومنی بااشاره به‌اهمیت طرح تبدیل پسمندهای غیرقابل‌بازیافت به سوخت جایگزین(RDF)، این طرح را گامی مهم در راستای مدیریت پسماند، حفاظت از محیط زیست و صرفه‌جویی در مصرف انرژی اعلام کرد. وی با اعلام اینکه امروز از طرحی بازدید کردیم که اهمیت بالایی در حوزه محیط زیست و انرژی دارد، اظهار کرد: ایده‌ای شکل گرفت که بخشی از زباله‌های کشور که نه قابلیت بازیافت دارند و نه از نظر زیست‌محیطی امکان دفن آنها وجود دارد، به عنوان سوخت جایگزین گاز در صنایع استفاده شود. مومنی با بیان اینکه حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد از زباله‌های تولیدی کشور در این دسته قرار دارند، افزود: با همکاری وزارت صنعت، معدن و تجارت و مجموعه کارخانه‌های سیمان، تاکنون ۱۸ تفاهم‌نامه برای استفاده از سوخت جایگزین زباله در این صنعت منعقد شده است. به گفته وزیر کشور، این طرح با مشارکت استانداری کرمانشاه، شهرداری، صنایع استان و فعالان حوزه پسماند، در کرمانشاه به صورت پایلوت اجرایی شده و طی دو تا سه هفته گذشته عملکرد موثقی داشته است. مومنی تأکید کرد: این طرح به‌طور عملی منجر به کاهش مصرف گاز در کارخانه سیمان شده

تبعات خاموشی «تولید» در یزد

بیش از ۷۰ درصد از مصرف برق استان را به خود اختصاص داده، در قطعی‌های خانگی هم از بعضی استان‌ها جلوتر را برابریم و این به معنی این است که بیشتر از استان‌هایی که کمتر

صنعتی هستند ضرر می‌کنیم. کلاتر با اشاره به اینکه قطع انرژی صنعت باعث کاهش تولید و درآمد استان و بروز پیامدهایی همچون تعدیل نیرو و اشتغال می‌شود، خاطرنشان کرد: برخی واحدهای بزرگ صنعتی و معدنی استان با وجود اینکه نیاز برق خود را تولید می‌کنند باز هم با محدودیت و قطع برق روبه‌رو هستند. کلاتر با اشاره به آمار وضعیت صنعت در زمستان ۱۴۰۳ گفت: اکنون ۳۶۱۹ پروانه بهره‌برداری فعال در استان وجود دارد که شامل ۱۶۶۶ واحد فعال، ۱۱۹۴ واحد نیمه‌فعال و ۷۵۹ واحد غیرفعال می‌شود. این آمار از وضعیت سال قبل بهتر است و حیف است که نبود انرژی آمار تعطیلی و نیمه فعال شدن صنعت و معدن استان را زیادت‌ر کند. وی بخشی از علل تعطیلی واحدها را عدم بررسی کافی و نداشتن مشاوره مناسب در زمان ایجاد، مدیریت غیر علمی و همچنین مشکلات محیط کسب‌وکار از جمله تحریم، محدودیت‌های بانکی، تأمین مواد اولیه، مشکلات گمرکی و نوسانات ارزی اعلام کرد. این کارشناس صنعتی با اشاره به صادرات حدود یک‌میلیارد دلاری استان که عمداً در

روزنامه در اقتصاد

یکشنبه ۲۶ مرداد ۱۴۰۴
شماره ۷۴۱
www.marzeghtesad.ir

چشم‌انداز نو در تحول دیجیتال

صنایع معدنی

صنعت معدن در مسیر دیجیتال سازی شتاب گرفته و هوش مصنوعی (AI) یکی از ارکان اصلی این تحول است. در سال‌های اخیر، هوش مصنوعی مولد (Generative AI) با توانایی خلق داده، تحلیل الگو و بهینه‌سازی فرآیندها، افق‌های جدیدی را برای صنایع باز کرده است. برخلاف مدل‌های سنتی AI که بر طبقه‌بندی یا پیش‌بینی تمرکز دارند، مدل‌های مولد قادر به ایجاد محتوا، طراحی سیستم‌های جدید، و استخراج دانش ضمنی از داده‌ها هستند. این مقاله به بررسی کاربردهای نوآورانه، مزایا و چالش‌های پیاده‌سازی هوش مصنوعی مولد در صنعت معدن می‌پردازد.

چشم‌انداز نو در تحول دیجیتال صنایع معدنی هوش مصنوعی مولد چیست؟ مدل‌های مولد مانند GPT، DALL-E و Stable Diffusion، با استفاده از معماری‌های پیشرفته نظیر Transformer، قادرند بر اساس داده‌های ورودی، خروجی‌های جدید و منسجم تولید کنند. در صنایع، این مدل‌ها برای تولید متن، تصویر، طراحی، سنسارپوهای شبیه‌سازی و حتی کدهای برنامه‌نویسی به‌کار می‌روند. در زمینه معدن، این مدل‌ها خلق مدل‌های زمین‌شناسی، شبیه‌سازی سنسارپوهای حفاری، بهینه‌سازی فراوری مواد و طراحی زنجیره تامین مبتنی بر شرایط متغیر است.

کاربردهای هوش مصنوعی مولد در معدن هوش مصنوعی مولد با ورود به زنجیره ارزش صنعت معدن، نقش‌های متنوعی ایفا می‌کند. در مراحل اکتشاف، این فناوری می‌تواند با ترکیب داده‌های حفاری، ژئوفیزیکی و توپوگرافی، مدل‌های سه‌بعدی احتمالاتی از ساختارهای زیرزمینی ارائه دهد که درک دقیق‌تری از ذخایر فراهم می‌سازد و نیاز به نمونه‌برداری فیزیکی مکرر را کاهش می‌دهد. در مرحله طراحی و برنامه‌ریزی عملیات، مدل‌های مولد توانایی تولید سناریوهای متنوع استخراج بر اساس محدودیت‌های زمین‌شناسی، اقتصادی یا زیست‌محیطی را دارند. سناریوهایی می‌توانند در شبیه‌سازی آموزشی برای ارتقای مهارت پرسنل نیز به‌کار روند. در حوزه فراوری، تحلیل داده‌های تاریخی با کمک این مدل‌ها می‌تواند به پیش‌بینانهایی برای بهینه‌سازی عملکرد، کاهش مصرف انرژی و افزایش نرخ بازپایی منجر شود. همچنین در لایه‌های مدیریتی، مدل‌های زبانی مولد قادرند گزارش‌های تولید، حفاری، ایمنی یا زیست‌محیطی را به‌صورت خودکار و مبتنی بر داده‌های خام تولید کنند که ضمن صرفه‌جویی در زمان، به تصمیم‌سازی دقیق‌تر نیز کمک می‌کند. در نهایت، در زمینه آموزش و انتقال دانش، ابزارهای تعاملی مبتنی بر مدل‌های مولد مانند چت‌بات‌ها و شبیه‌سازهای تعاملی نقش پررنگی در آماده‌سازی نیروی انسانی برای مواجهه با شرایط پیچیده و بحرانی ایفا می‌کنند.

مزایای استفاده از Generative AI در معدن افزایش سرعت تصمیم‌سازی در محیط‌های پیچیده و متغیر شما بیمه‌بازر؛ تو بیمه‌بازار بدون پیش‌پرداخت کاهش وابستگی به نیروی انسانی متخصص در شرایط بحرانی کاهش هزینه‌های آزمایش و خطا در طراحی و اکتشاف بهبود تعامل انسان-ماشین از طریق ابزارهای تحلیلی چالش‌ها و محدودیت‌ها داده‌های ناگفتی یا نامتوازن؛ مدل‌های مولد برای عملکرد ضعیف در داده‌های حجیم، دقیق و تمیز نیاز دارند؛ درحالی‌که داده‌های معدان اغلب پراکنده و ناهمگون هستند. ریسک تولید خروجی‌های نادرست یا غیرواقعی؛ مدل‌های مولد می‌توانند اطلاعات حساس‌سازی (hallucination) تولید کنند که در تصمیمات حیاتی معدن خطرناک است. مسائل مالکیت داده و حریم خصوصی؛ داده‌های حفاری و زمین‌شناسی اغلب به‌درجه حریم، مستقیم یا غیرمستقیم، متعلق به دولت‌ها، شرکت‌ها یا افراد هستند. استفاده از مدل‌های مولد بدون مدیریت دقیق، می‌تواند منجر به نشت داده شود. نیاز به زیرساخت خروجی‌های نادرست یا غیرواقعی؛ مدل‌های مولد در مقیاس صنعتی نیاز به GPUهای قدرتمند و منابع فنی بالا دارد.

تجربه‌های بین‌المللی و چشم‌انداز ایران شرکت‌هایی مانند «Vale»، «BHP» و «Anglo American» با سرمایه‌گذاری در AI برای استفاده از Generative AI در مدل‌سازی زمین‌شناسی، تولید گزارش‌های هوشمند و آموزش کارگران آغاز کرده‌اند. در برخی موارد از مدل‌های -GPT ۴، Stable Diffusion و Llama در بستریهای امن داخلی استفاده شده است. در ایران، با رشد برنامه‌های معدن هوشمند توسط ایمیدرو و همکاری‌هایی با مراکز فناوری (از جمله دانشگاه‌ها)، فرصت مناسبی برای بومی‌سازی مدل‌های مولد متناسب با شرایط زمین‌شناسی کشور فراهم است. طراحی مدل‌های زبانی تخصصی فارسی در حوزه زمین‌شناسی و معدن نیز می‌تواند یک گام راهبردی باشد.

هوش مصنوعی مولد نه تنها ابزاری برای بهبود بهره‌وری است، بلکه به‌عنوان یک همکار مجاری، می‌تواند در تصمیم‌سازی، طراحی، تحلیل و آموزش در معدن نقش آفرینی کند. آینده صنعت معدن، بدون ادغام هوش مصنوعی مولد، نمی‌تواند هوشمند و رقابتی باشد. با این حال، پیاده‌سازی مسئولانه، امن و هدفمند آن، نیازمند شناخت دقیق ظرفیت‌ها، چالش‌ها و بستریهای داده‌ای موجود است.

وزیر نفت، ظرفیت جمع‌آوری گازهای مشعل در زمان آغاز به کار دولت چهاردهم را روزانه حدود ۳۳۰ میلیون فوت‌مکعب اعلام کرد و گفت: با اقدام‌های انجام‌شده در دولت چهاردهم، در یک سال اخیر حدود ۲۸۰ میلیون فوت‌مکعب در روز به این ظرفیت افزوده شده که این رقم تا پایان امسال به بیش از ۶۰۰ میلیون فوت‌مکعب در روز می‌رسد. به گزارش شانا، محسن پاک‌نژاد در آیین بهره‌برداری از طرح جمع‌آوری گازهای همراه میدان‌های جنوب استان ایلام (ان‌جی‌ال ۳۱۰۰) اظهار کرد: این پروژه یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های جمع‌آوری گازهای همراه است که نه‌تنها به حفاظت از محیط زیست کمک می‌کند، بلکه مانع هدررفت صدها میلیون دلار سرمایه ملی می‌شود.

وی با اشاره به اینکه افتتاح این طرح آرزویی دیرینه مبنی بر جمع‌آوری گازهای مشعل در این منطقه را محقق می‌کند، اظهار کرد: بر اساس اهداف کمی تعیین‌شده در قانون برنامه هفتم پیشرفت، ظرفیت جمع‌آوری گازهای مشعل باید تا پایان برنامه (سال ۱۴۰۷) به ۱۶ میلیارد مترمکعب در سال معادل ۴۴ میلیون مترمکعب در روز برسد، به همین دلیل افزایش این ظرفیت به‌عنوان یکی از اولویت‌های اساسی وزارت نفت در دستور کار قرار گرفت. وزیر نفت با یادآوری اینکه در طول یک سال گذشته با اجرای طرح‌های کوتاه‌مدت از طریق برگزاری مزایده و واگذاری فروش گاز به بخش خصوصی، حدود ۶۰ میلیون فوت‌مکعب در روز از گازهای مشعل جمع‌آوری شده است که این روبه همچنان ادامه دارد، افزود: به‌تازگی مزایده فروش و جمع‌آوری ۹ بسته جمع‌آوری گازهای مشعل به میزان حدود ۲۷۰ میلیون فوت‌مکعب در روز برگزار شد، همچنین با هدف بهره‌گیری از توان و سرمایه بخش خصوصی، به‌زودی فراخوان فروش و جمع‌آوری ۳۶ بسته گازهای مشعل به ظرفیت حدود ۷۰۰ میلیون فوت‌مکعب در روز با نرخ پایه صفر منتشر می‌شود. یعنی پولی بابت این موضوع پرداخت نمی‌کنند اما باید با یکدیگر رقابت کنند. پاک‌نژاد در تشریح طرح‌های بلندمدت وزارت نفت در ارتباط با جمع‌آوری گازهای مشعل بیان کرد: این طرح‌ها شامل احداث واحدهای ان‌جی‌ال ۳۱۰۰، ان‌جی‌ال ۲۲۰۰، ان‌جی‌ال خارک، ایستگاه‌های جمع‌آوری گازهای همراه بیدلند و مارون، همچنین طرح کاهش گازهای مشعل در پالایشگاه‌های دوازده‌گانه مجتمع گازی پارس جنوبی است که طبق برنامه‌ریزی، همه این طرح‌ها تا پایان سال ۱۴۰۷ به‌صورت مرحله‌ای تکمیل می‌شوند.

وی با اشاره به روند پیشرفت طرح‌های جمع‌آوری مشعل در دولت چهاردهم گفت: در طول سال گذشته با بهره‌برداری از فاز نخست طرح جمع‌آوری گازهای مشعل رگ سفید-۱، جمع‌آوری گازهای مازاد واحد بهره‌برداری گچساران و طرح کاهش گازهای مشعل پالایشگاه‌های دوازده‌گانه پارس جنوبی، حدود ۱۴۰ میلیون فوت‌مکعب در روز به ظرفیت جمع‌آوری گازهای مشعل اضافه شد. امروز هم با بهره‌برداری از طرح ان‌جی‌ال ۲۱۰۰، در گام نخست ۸۰ میلیون فوت‌مکعب در روز به ظرفیت جمع‌آوری گاز افزوده می‌شود.

افزایش جمع‌آوری گازهای همراه

وزیر نفت با اشاره به اینکه در زمان آغاز به کار دولت چهاردهم در شهریور سال گذشته، ظرفیت جمع‌آوری گازهای مشعل حدود ۳۳۰ میلیون فوت‌مکعب در روز بود، افزود: از ابتدای این دولت تاکنون حدود ۲۸۰ میلیون فوت‌مکعب در روز از طریق اجرای طرح‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت به ظرفیت جمع‌آوری گازهای مشعل افزوده شده که این رقم تا پایان امسال به بیش از ۶۰۰ میلیون فوت‌مکعب در روز می‌رسد.

پاک‌نژاد در بیان جزئیات طرح جمع‌آوری گازهای همراه میدان‌های جنوب استان ایلام توضیح داد: این طرح با ظرفیت نهایی ۲۴۰ میلیون فوت‌مکعب در روز برای جمع‌آوری گازهای همراه میدان‌های جنوب استان ایلام و شهرستان دهلران احداث شده که شامل مجتمع ان‌جی‌ال ۲۱۰۰، دو ایستگاه تقویت فشار، یک نیروگاه ۱۰۰ مگاواتی و بیش از ۳۵۰ کیلومتر خط لوله انتقال خوراک و محصول می‌شود.

این طرح در گام نخست با جمع‌آوری روزانه ۸۰ میلیون فوت‌مکعب آغاز به کار کرده و به‌صورت تدریجی و مرحله‌ای تا ظرفیت کامل توسعه می‌یابد. وی با اشاره به مزایای جمع‌آوری گازهای همراه میدان‌های جنوب استان ایلام گفت: گاز غنی تولیدی پس از فشارافزایی به مجتمع ان‌جی‌ال ۳۱۰۰ منتقل می‌شود و در آنجا پس از شیرین‌سازی، نمزدابی و استخراج ان‌جی‌ال، محصولاتی از جمله گاز سبک، D۲+ (تان و ترکیبات سنگین‌تر)، همچنین گوگرد و مایعات گازی تولید می‌شود.

کاهش ناترازی گاز

وزیر نفت با بیان اینکه با اجرای این طرح، روزانه بیش از ۱۵۰ میلیون فوت‌مکعب گاز سبک به شبکه سراسری گاز تزریق می‌شود و ترکیبات سنگین‌تر از طریق خط لوله به ان‌جی‌ال ۳۲۰۰ در حوزه غرب کارون (استان خوزستان) و از آنجا به پتروشیمی بندر امام ارسال می‌شوند، گفت: البته پس از راه‌اندازی پتروشیمی دهلران، برش سنگین (D۲+) به‌عنوان خوراک این واحد مورد استفاده قرار می‌گیرد. پاک‌نژاد با اشاره به کمک‌رسانی ان‌جی‌ال ۲۱۰۰ به پایداری برق منطقه اظهار کرد: حدود ۳۰ مگاوات از برق تولیدی نیروگاه این طرح به شبکه سراسری برق تزریق می‌شود که سبب تقویت پایداری شبکه در منطقه می‌شود.

وی با بیان اینکه مجموع سرمایه‌گذاری برای احداث این تأسیسات حدود ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار بوده، تصریح کرد: این مقدار سرمایه‌گذاری سبب خاموشی ۸ مشعل در منطقه و جلوگیری از سوزاندن گاز همراه به ارزش بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در سال می‌شود، همچنین باید اشاره کنم یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مهم این طرح، استفاده حداکثری از توان داخلی است، به‌طوری که بیش از ۸۵ درصد تجهیزات مورد نیاز از محل ساخت داخل تأمین شده است.

مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران، بر لزوم اجرای کامل و منظم برنامه‌های مدیریت مصرف صنایع تأکید کرد.
اردشیر مذکوری، مدیرعامل شرکت شبکه برق ایران، افزود: تنها با اجرای دقیق و انضباط و پایبندی به برنامه‌ها می‌توان شهرویر را با پایداری شبکه برق پشت سر گذاشت.
وی با اشاره به عبور از قله مصرف سالانه برق، ادامه داد: با توجه به کاهش ذخیره نیروگاه‌های برق آبی، لزوم رعایت منظم اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف ضرورت دارد.
مدیرعامل شرکت مدیریت شبکه برق ایران، هدف اصلی برنامه‌های فعلی را مدیریت بهینه ذخایر آبی نیروگاه‌های برق‌آبی برای تولید برق تا پایان مرداد و جلوگیری از عمیق تر شدن ناترازی در شهریور دانست.
مذکوری با قدردانی از همکاری صنایع انرژی‌بر با صنعت برق، از شرکت‌های برق منطقه‌ای و توزیع نیروی برق خواستار نظارت دقیق‌تر بر اجرای سهمیه‌ها در سطح محلی شد.
وی خاطرنشان کرد: با اجرای دقیق و منظم برنامه‌های مدیریت مصرف به ویژه در بخش صنعت از وقوع خاموشی بی‌برنامه و بدون اطلاع در بخش خانگی جلوگیری خواهد شد.

قیمت نفت در انتظار مذاکرات آلاسکا

جهانی، جریان انرژی و امنیت تامین نفت داشته باشد.

هند تحت فشار مستقیم

در مقابل، هند تحت فشار مستقیم و شدید آمریکا قرار دارد. هفته گذشته ترامپ اعلام کرد که تعرفه جدید ۲۵ درصدی بر صادرات هند اعمال می‌شود و مجموع تعرفه‌ها به ۵۰ درصد خواهد رسید. دلیل این اقدام ادامه خرید نفت از روسیه عنوان شد و نشان می‌دهد که واشنگتن از ابزار اقتصادی برای محدود کردن دسترسی مشتریان بزرگ نفت روسیه استفاده می‌کند. تحلیلگران اقتصادی هشدار می‌دهند که افزایش تعرفه‌ها، به‌ویژه بر سطح ۵۰ درصد، می‌تواند صادرات هند را تحت فشار قرار دهد و رقابت‌پذیری کالاهای این کشور در بازار آمریکا کاهش یابد، امری که علاوه بر اقتصاد هند، بر جریان تجارت جهانی نفت و الگوهای عرضه و تقاضا نیز اثر مستقیم خواهد گذاشت.

این فشار اقتصادی می‌تواند دهلی‌نو را مجبور به تعدیل استراتژی خرید نفت کند، اما تاکنون هند اعلام کرده که خرید نفت از روسیه را متوقف نکرده و همچنان بر اساس ملاحظات اقتصادی خود عمل می‌کند. دیدار آلاسکا، با محوریت بحران اوکراین و بررسی امکان پایان جنگ، هر چند به توافق قطعی نینجامید، اما فضای مثبتی ایجاد کرده است. ترامپ در مصاحبه با شبکه فاکس نیزو تصریح کرد: «به خاطر اتفاقاتی که امروز رخ داد، فکر نمی‌کنم فعلا لازم باشد درباره تعرفه‌ها تصمیمی بگیریم. شاید در دو یا سه هفته آینده مجبور به بازنگری باشیم، اما اکنون ضرورتی وجود ندارد.» او همچنین خاطر‌نشان کرد که فشار بر هند باعث شد این کشور خرید نفت از روسیه را کاهش دهد و در نتیجه، روسیه برای مذاکره تماس گرفت. این واکنش‌ها نشان می‌دهد که سیاست‌های آمریکا نه تنها بازار نفت بلکه رفتار خریداران عمده انرژی را نیز به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و هر اقدام تحریمی می‌تواند منجر به تغییرات سریع در مسیر تجارت جهانی نفت شود.

چشم‌انداز بازار نفت در کوتاه‌مدت و میان‌مدت همچنان نامطمئن است. بر اساس داده‌های تحلیلی، اگر ترامپ تصمیم به اعمال تعرفه علیه چین بگیرد یا فشار بر هند شدت یابد، قیمت نفت می‌تواند در کوتاه‌مدت افزایش یابد و حتی به مرز ۸۰ دلار برآی

بازار نفت در آستانه مازاد عرضه

گویان نیز نقش مهمی در افزایش عرضه ایفا کرده‌اند. آژانس بین‌المللی انرژی تأکید کرده که این کشورها در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ همچنان رهبری افزایش عرضه را در اختیار خواهند داشت. درحالی‌که عرضه با شتاب افزایش می‌یابد، تقاضای جهانی نفت با روندی کندتر در حال رشد است.

آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی کرده که تقاضا در سال جاری میلادی روزانه ۶۸۰ هزار بشکه و در سال آینده روزانه ۷۰۰ هزار بشکه افزایش یابد؛ هر دو رقم نسبت به برآوردهای پیشین روزانه ۲۰ هزار بشکه کاهش نشان می‌دهند. آژانس در گزارش خود آورده است: تازه‌ترین داده‌ها نشان می‌دهد تقاضای اضافی در اقتصادهای بزرگ وجود دارد و با توجه به اینکه اعتماد مصرف‌کننده همچنان پایین است، بازگشت شدید به نظر بعید می‌رسد. بر اساس برآورد آژانس بین‌المللی، عرضه نفت ممکن است سال آینده تا روزانه ۲ میلیون بشکه از تقاضا پیشی بگیرد.

این مازاد عرضه ناشی از افزایش تولید خارج از ائتلاف اوپک‌پلاس و گسترش محدود



صورت‌وضعیت فرآوری گازهای همراه

لیلا جلیلووند – بالاخره پس از سالها انتظار طرح ان‌جی‌ال ۳۱۰۰ با حضور مجازی مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری و محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت به صورت رسمی افتتاح شد.

این پروژه که به گفته وزیر نفت «یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های جمع‌آوری گازهای همراه است» با ظرفیت نهایی ۲۴۰ میلیون فوت‌مکعب در روز برای جمع‌آوری گازهای همراه میدان‌های جنوب استان ایلام و شهرستان دهلران احداث شده و در حال حاضر در مرحله اول با ظرفیت ۸۰ میلیون فوت مکعب آغاز به‌کار کرد.

به گزارش ندیای اقتصاد طرح جمع‌آوری گازهای همراه میدان‌های جنوب استان ایلام شامل مجتمع ان‌جی‌ال ۳۱۰۰، ۲ ایستگاه تقویت فشار، یک نیروگاه ۱۰۰ مگاواتی و بیش از ۳۵۰ کیلومتر خط لوله انتقال خوراک و محصول با ظرفیت ۲۴۰ میلیون فوت‌مکعب در روز احداث شده است. گاز غنی تولیدی پس از فشارافزایی به مجتمع ان‌جی‌ال ۳۱۰۰ منتقل و پس از شیرین‌سازی، نمزدابی و استخراج، محصولاتی از جمله گاز سبک، D۲+ (تان و ترکیبات سنگین‌تر)، گوگرد و مایعات گازی تولید می‌شود.

همچنین ۱۰۵۵ تن در سال C۲+ (تان و ترکیبات سنگین‌تر)، ۱۳۲ هزار تن در سال گوگرد، ۸۵۰ بشکه در روز میعانات گازی و روزانه بیش از ۴۳ میلیون مترمکعب در روز گاز شیرین در ان‌جی‌ال ۳۱۰۰ تولید می‌شود؛ گاز شیرین این طرح به شبکه سراسری گاز تزریق و ترکیبات سنگین‌تر به واحدهای پایین‌دستی ازجمله ان‌جی‌ال ۳۲۰۰ (پالایشگاه گاز هویزه خلیج فارس) در حوزه غرب کارون و از آنجا برای پتروشیمی بندر امام ارسال می‌شود که با راه‌اندازی پتروشیمی دهلران، برش سنگین C۲+خوراک این واحد را تأمین می‌کند.

مجموع سرمایه‌گذاری اجرای طرح جمع‌آوری گازهای همراه میدان‌های جنوب استان ایلام ۱۶ میلیارد دلار است که به خاموشی هشت مشعل در منطقه و جلوگیری از سوزاندن گاز همراه نفت به ارزش بیش از ۷۰۰ میلیون دلار در سال منجر می‌شود.

هاکنون طرح جمع‌آوری گازهای همراه میدان‌های جنوب استان ایلام که بیش از ۸۵ درصد تجهیزات مورد نیاز آن از داخل تأمین شده، با دریافت حدود ۸۰ میلیون فوت‌مکعب در روز خوراک افتتاح شده است و به‌تدریج به ظرفیت کامل می‌رسد. اشغال ۱۵۰۰ نفر به‌صورت مستقیم و ۳۰۰۰ نفر به‌صورت غیرمستقیم در دوران بهره‌برداری از ان‌جی‌ال ۳۱۰۰ دیگر مزایای احداث این طرح است که در کنار کاهش چشمگیر آلاینده‌های زیست‌محیطی و بهبود کیفیت هوا، حفظ ثروت و ایجاد ارزش افزوده بالا با تکمیل زنجیره ارزش محصولات هیدروکربنی، نقش بسزایی در محرومیت‌زدایی منطقه دارد.

عزم دولت برای جمع‌آوری گازهای مشعل



لزوم همکاری صنایع در اجرای برنامه‌های مدیریت مصرف

این دیدار که با محوریت بحران اوکراین و بررسی امکان پایان جنگ برگزار شد، علاوه بر جنبه‌های سیاسی و امنیتی، به سرعت بر رفتار خریداران عمده نفت و جهت‌گیری بازارهای انرژی جهان اثر گذاشته است. ترامپ در اظهارات اخیر خود اعلام کرد که در حال حاضر نیازی به اعمال فوری تعرفه‌های تلافی‌جویانه علیه کشورهایی مانند چین به دلیل خرید نفت از روسیه نمی‌بیند، اما هم‌زمان تأکید کرد که بسته به تحولات آینده و واکنش مسکو و سایر بازیگران جهانی، احتمال دارد طی دو تا سه هفته آینده، تصمیم به اعمال تعرفه‌های جدید گرفته شود. این موضع‌گیری به نوعی نشان‌دهنده سیاست هوشمندانه و حساب‌شده واشنگتن است که هم‌زمان تلاش می‌کند از ایجاد تنش‌های ناگهانی و آشفتنگی در بازار نفت جلوگیری کند و از سوی دیگر چین را که بزرگ‌ترین خریدار نفت روسیه محسوب می‌شود، تحت نظر قرار دهد تا از این وضعیت در مذاکرات تجاری آتی و تعیین امتیازات اقتصادی بهره‌برداری کند. این تعلیق موقت، ضمن آرام نگه داشتن بازارها، پیامی روشن به سایر خریداران عمده نفت روسیه نیز می‌دهد: پیام این است که ادامه خرید نفت از روسیه می‌تواند در آینده با هزینه‌های اقتصادی، تحریم‌های ثانویه و محدودیت‌های تجاری مواجه شود و هیچ کشوری از پیامدهای احتمالی خریدهای خود مصون نخواهد بود. افزون بر این، تحلیلگران اقتصادی و سیاسی هشدار می‌دهند که چنین تعلیق موقتی، گرچه در کوتاه‌مدت موجب کاهش فشار بر بازار و جلوگیری از نوسانات شدید قیمت‌ها شده، اما به هیچ وجه تضمینی برای ثبات بلندمدت بازار نفت ارائه نمی‌دهد و فعالان و سرمایه‌گذاران جهانی باید خود را برای واکنش سریع به هر گونه تغییرات ژئوپلیتیکی یا اقتصادی آماده کنند.

از منظر بازار، این شرایط باعث شده که معامله‌گران نفت، شرکت‌های انرژی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی در حالت انتظار و تحلیل دقیق اخبار باقی بمانند و هر تصمیم سیاسی یا اقتصادی امریکا و روسیه، می‌تواند بلافاصله بر روند نفت، تقاضا و قیمت جهانی نفت تأثیر بگذارد و حتی الگوهای تجارت منطقه‌ای و جهانی انرژی را دستخوش تغییر کند. به این ترتیب، دیدار الاسکا نه تنها به عنوان یک رویداد سیاسی و دیپلماتیک بلکه به عنوان نقطه عطفی در بازار انرژی جهان قلمداد می‌شود، جایی که هر حرکت بعدی واشنگتن یا مسکو، هر چند کوچک، می‌تواند پیامدهای گسترده و فوری بر اقتصاد

به نقل از رویترز، آژانس بین‌المللی انرژی در تازه‌ترین گزارش ماهانه خود اعلام کرد که عرضه جهانی نفت در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ با سرعتی فراتر از برآوردهای پیشین افزایش خواهد یافت؛ موضوعی که به گفته این نهاد، بازار را با مازاد عرضه بیشتر و تعادل آن را متزلزل‌تر کرده است. بر اساس گزارش این نهاد، تولید جهانی نفت در سال آینده با افزایش روزانه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه‌ای همراه خواهد بود؛ رقمی که نسبت به برآورد پیشین (روزانه ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار بشکه) افزایش یافته است.

همچنین در سال ۲۰۲۶، عرضه روزانه نفت ۲ میلیون بشکه دیگر افزایش خواهد یافت. افزایش عرضه بیشتر از تصمیم‌ اخیر هشت کشور ائتلاف تولیدکنندگان عضو سازمان کشورهای صادرکننده نفت (وپک) و متحانش (اوپک‌پلاس) برای لغو کاهش عرضه داوطلبانه اضافه ناشی می‌شود. هشت کشور ائتلاف اوپک‌پلاس با حذف آخرین مرحله از کاهش عرضه داوطلبانه اضافه روزانه ۲ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه‌ای، نفت بیشتری روانه بازار کرده است.

در کنار آن، تولیدکنندگان خـارج از ائتلاف اوپک‌پلاس از جمله آمریکا، کانادا، برزیل و

♥ چادرملو در جست‌وجوی زمین بازی خارج از تهران

چادرملو اردکان در بیست و چهارمین دوره لیگ برتر روزهای خوبی را سپری کرد و در نهایت توانست بدون دغدغه و اما و اگر این دوره از رقابت‌ها را با عملکرد خوبی پشت‌سر بگذارد. این تیم به عنوان اولین تجربه حضور در لیگ حرفه‌ای فوتبال کشورمان توانست با کسب ۳۴ امتیاز در جایگاه دهم قرار بگیرد. بعد از پایان این رقابت‌ها، اردکانی‌ها همچنان این فرصت را در اختیار سعید اختری گذاشتند تا بتواند در بیست و پنجمین دوره لیگ برتر فوتبال نیز روی نیمکت چادرملو باشد. اختری و شاگردانش این روزها در تلاش هستند خود را به بهترین شکل آماده کنند تا باز هم بتوانند نتایج خوبی کسب کنند.اما چادرملو هم مثل خیلی از تیم‌های لیگ برتری از نداشتن زمین مناسب رنج می‌برد، به طوری که فعلاً‌انطور که شنیده می‌شود، شش بازی این تیم که اتفاقاً زمان مناسبی برای کسب امتیازات است، باید خارج از خانه برگزار شود. چادرملو اردکان در اولین هفته بیست و پنجمین دوره لیگ برتر فوتبال باید به مصاف فولاد خوزستان برود و در حالی که میزبان این بازی است، اما نمی‌تواند در اردکان از میهمان خود میزبانی کند. در دومین هفته‌ها اردان اختری میهمان قزوینی‌ها خواهند بود و باید به مصاف شمس‌آذر قزوین بروند. در هفته سوم این تیم باهم میزبان هست و نیست‌او در حالی که طبق برنامه باید از ملوان در اردکان میزبانی کند، باز هم خارج از خانه بازی می‌کند. این وضعیت مقابل تیم‌های پرسپولیس، پیکان و استقلال هم رقم خواهد خورد و شاگردان اختری در شش هفته نخست باید بیرون از خانه خودشان به میدان بروند. این برنامه‌ای است که تا حالا چیده شده اما ظاهرآ اردکانی خیلی دوست ندارند در پایتخت به مصاف حریفان بروند و در تلاش هستند بازی‌های خانگی خود را در شهری خارج از تهران برگزار کنند. سعید اختری در این‌باره می‌گوید: «در تلاش هستیم حداقل بازی‌های که میزبان هستیم را در خارج از تهران از حریفان خود میزبانی کنیم. حضور ما در تهران برای مادر دسرساز خواهد بود. به هر حال برایمان بسیار مهم است که تیم کمتر خسته شود و کمتر مسافت طی کنیم. از طرف دیگر باید ببینیم چقدر می‌توانیم موفق باشیم و این موضوع را باید مدیریت کنیم. اینکه شش هفته میزبان نباشیم برایمان سخت خواهد بود و انرژی زیادی از تیم خواهد گرفت.» این اتفاق در حالی رخ می‌دهد که به نظر می‌رسد اردکانی‌ها بیش از هر چیزی، نگران بازی در هفته‌های چهارم و ششم هستند. چادرملو اردکان در هفته چهارم میزبان است و باید از پرسپولیس‌ها میزبانی کند، اما اگر قرار باشد در تهران بازی کنند، آن‌وقت نه‌تنها میزبانی را از دست می‌دهد بلکه باید از خانه حریف بازی کند. این موضوع برای هفته ششم هم همین‌طور است یعنی چادرملو طبق برنامه باید در اردکان از استقلال میزبانی کند اما اگر بخواهد در پایتخت بازی کند، باز هم حریفش میزبان می‌شود. هر چند این روزها خیلی از تیم‌ها با معضل نداشتن زمین برای بازی، روبه‌رو هستند اما به نظر می‌رسد چادرملو بیش از دیگران نگران این موضوع است و اردکانی‌ها در تلاش هستند به هر طریقی شده بخشن از این معضل را حل کنند.

.....

♥ هاشمیان در جبهه درویش شمشیر می‌زند

هاشمیان باردیگر از روند انتخابش برای سرمربیگری در پرسپولیس شروع و درباره موارد مربوط به آمادسازی و نقل و انتقالات صحبت کرد. او جواب‌ها را خیلی کلی می‌داد و وارد جزئیات مربوط به برخی ماجراها مثل لیست مازاد نشد و البته اسمی هم نبرد. سرمربی پرسپولیس صادقانه حرف‌هایش را زد و تأکید کرد تا زمانی که بازیکن جدیدی جذب نشود، فشاری برای بیرون گذاشتن برخی بازیکنان روی او وجود ندارد. در واقع او با علم به اینکه هم جذب بازیکن جدید هم کنار گذاشتن نفرت مازاد بعضاً پرسه‌ای طولانی می‌طلبد تأکید کرد اگر بازیکن جدیدی جذب شود روی کنار گذاشتن برخی نفرتا فکر کرده و تصمیم‌گیری می‌کند.

نکته طلایی حرف‌های هاشمیان اما آنجایی بود که او هرگز درباره مسیر نقل و انتقالاتی پرسپولیس و آنچه تا الان انجام شده یا نشده اعتراضی نکرد و غر نزن. شاید تمام تیم‌های رقیب و هواداران‌شان و البته دشمنان پرسپولیس منتظر این‌بوند که هاشمیان دپلره کمبودها و مشکلات حرف بزند اما او باز هم از اتفاقات مثبتی که تا الان در تیمش اتفاق افتاده حرف زد و نیمه پر لیوان را کاملاً جلوی چشم هواداران آورد. هاشمیان حتی از این هم جلوتر رفت و ضمن تأکید روی اینکه همه چیز در تیم او خوب است و خوب پیش می‌رود از هوادارانی که بعضاً تحت تأثیر برخی صحبت‌های فضای مجازی قرار می‌گیرند خواست تا اخبار واقعی و حقیقی را دنبال کنند.

هاشمیان در سومین مصاحبه خود باز هم به روند جذب بازیکن و ناقص ماندن تیمش اعتراضی نکرد و حتی یک مورد غر زدن را اعتزاضی نکرد و لایه‌لای حرف‌هایش پیدا کرد. او در نمی‌توان از به‌لای حرف‌هایش بی‌بیجا که تأکید حاس‌ترین برهمه فصل و در شرایطی که تأکید می‌کند از باشگاه سهه بازیکن جدید خواسته است هرگز حرفی نزد که رسانه‌ها و هواداران را روبه‌روی درویش و باشگاه قرار دهد.

بازگرداند اما توفیقی به دست نیامد و حتی بهرام افشارزاده با آن همه تجربه نیز موفق نشد در این مسیر به دستاوردی برسد که قابل بیان باشد و پس از او نیز مدیرانی همچون افتخاری، فتحی و حتی سعادتمند که از بدنه ورزش گزینش شده بودند و در ساختار مدیریتی دولتی مسئولیت‌هایی داشتند نیز نتوانستند استقلال را به سرمنزل مقصود برسانند.

شاید برای همین بود که تصمیم‌گیران در باشگاه استقلال بعدها سکان مدیریت تیم‌شان را به دست افرادی سپردند که کمتر در عرصه مدیریت ورزشی کشور سابقه داشتند و یا دست کم فعالیت‌شان به شکل غیرمستقیم بود. حجت کریمی از این دستست مدیران تلقی می‌شدند که شاید ابتدا باور این بود این افراد که کمتر پست ورزشی در کشور داشتند، بتوانند با انرژی و انگیزه خود چرخ مدیریت این باشگاه را به شکلی ایده‌آل به گردش درآورند اما این دو نیز از انتقادات تند هواداران در امان نماندند و در نهایت ناچار به ترک باشگاه شدند. تغییرات در وضعیت مالکیت باشگاه استقلال از وزارت ورزش به هلدینگ خلیج‌فارس اما این دیدگاه تازه را در میان کارشناسان ایجاد کرد که شاید با تحولاتی از این دست و انتخاب افرادی که مورد وثوق مالکان جدید هستند و شاید از فیلترهای آنچنانی عبور نمی‌کنند، بتواند باشگاه استقلال را به سمت و سوی دلنشینی حرکت دهد. انتخاب نظری جویباری در حقیقت محصول همین تفکر بود و شاید مالکان باشگاه بعد از اینکه نتوانستند با فرشید سمیعی به دستاوردهای مدنظر برسند، راه موفقیت را در میان افکار مردی جست‌وجو کردند که سال‌های طولانی در این باشگاه سابقه معاونت و حضور در پست‌هایی همچون سرپرستی را داشت اما نظری جویباری نیز زودتر از آنچه تصور می‌شد، به سمت درهای خروجی باشگاه استقلال سوق داده شد تا این واقعیت تلخ به اثبات برسد که تصمیم‌گیران در باشگاه (وزارت ورزش و سپس هلدینگ خلیج فارس) با اینکه به هر دری زدند شاید یک مدیر با افکار نوین و کاراکتر جدید را برای باشگاه استقلال بسازند که تداعی‌کننده مدیران سال‌های دور باشد، با شکستی بزرگ مواجه شدند.

با نگاهی بدبینانه‌تر می‌توان به این واقعیت دست یافت که باشگاه استقلال گزینه‌ها را یکی بعد از دیگری سوزانده و یک قطار اسم را فدا کرده است. البته این به معنای محکوم بودن انتخاب‌ها نیست و شاید هر تصمیم‌گیرنده دیگری در رأس باشگاه استقلال قرار داشت روی این اسامی تکیه می‌کرد و به طور قطع توانمندی‌های فردی و برخورداری از ریزه‌کاری‌ها و فوت و فن مدیریتی و مهارت در انجام مصاحبه با رسانه‌ها نیز می‌تواند نقشی کلیدی در توفیق این افراد داشته باشد اما در یک نگاه کلی باید بر این واقعیت صحه گذاشت که پروژه ساختن مدیرعامل در باشگاه استقلال در یک‌دهه اخیر کاملاً با شکست مواجه شده است و تصمیم‌گیران در این باشگاه نتوانستند نام جدیدی را به عنوان یک مدیر کارزماتیک و محبوب پدید آورند.

راهکار موفقیت چیست؟

به طور قطع این سؤال باید به عنوان کلید حل این ماجرا در میان متولیان باشگاه استقلال و حتی در نقاط بالاتر تصمیم‌گیرنده مطرح و پیگیری شود که چرا و به چه دلیل استقلال نتوانسته در این سال‌ها یک چهره جدید مدیریتی را به فوتبال ایران معرفی کند؟ آیا انتخابات از سر احساس بوده و یا اینکه ابزار و امکانات کافی در اختیار مدیران قرار نگرفته است؟ مسائل مربوط به دلایلیسم و فشار واسطه‌ها به مدیران و مربیان برای جذب بازیکنانی که در حد و اندازه این باشگاه نبوده‌اند نیز قطعاً در به وجود آمدن این وضعیت نقش داشته است و این مسائل نیز باید به طور دقیق مورد قور ارزایی و آنالیز قرار بگیرد. به این اسامی نگاه کنید: امیرحسین فتحی، رضا افتخاری، بهرام افشارزاده، احمد مددی، احمد سعادتمند، حجت کریمی، علی خطیر، فرشید سمیعی و علی نظری جویباری. این اسامی مدیرانی هستند که طی یک‌دهه اخیر در باشگاه استقلال رفت و آمد داشته‌اند و به جز مصطفی آجورلو که از نیز جزو مدیران نسل جدید نیست، موفقیتی برای باشگاه استقلال به دست نیاورده‌اند. این همه ناکام می‌طلبد که دست‌کم هلدینگ خلیج‌فارس در قامت یک متولی غیردولتی(حداقل در ظاهر) در انتخاب مدیرعامل این باشگاه دقت و کنکاش بیشتری داشته باشد و مانع از تداوم این حجم از ناکامی‌ها شود.

وحدید هاشمیان به عنوان سرمربی پرسپولیس حق دارد تا تیم خودش را ببندد و برای تک تک پست‌ها شخصاً تصمیم بگیرد اما وقتی پای بازیکنان مهمی مثل امیری و عالی شاه به میان می‌آید اوضاع کمی فرق می‌کند. البته که در تمام باشگاه‌های بزرگ اروپایی هم معمولاً در موعد کنار گذاشتن بازیکنان خاص و اسطوره‌های باشگاه مسائلی مثل مخالفت هواداران و کمپین‌هایی در فضای مجازی برای جلوگیری از این اقدامات صورت می‌گیرد اما معمولاً باشگاه‌ها پشت سرمربی در می‌آیند و از تصمیم او حمایت می‌کنند. در روزهای اخیر بحث کنار گذاشتن وحدید امیری در رسانه‌ها و فضای مجازی وجود داشت و حالا به صورت جدی‌تر مطرح شده آن هم در حالی که وحدید هاشمیان اصلاً در مصاحبه‌هایش حرفی از این مورد نمی‌زند. هاشمیان ظاهراً تصمیم گرفته که وحدید امیری نباشد و به نوعی او را مازاد کرده است اما بعد از بولد شدن این مسأله، هواداران پرسپولیس غالباً پشت امیری رفته‌اند و از او حمایت می‌کنند. غالب هواداران معتقدند هاشمیان باید فرشاد احمدزاده را کنار بگذارد و از امیری استفاده کند. حتی برخی با را فراتر گذاشته و ماجرای ابقای احمدزاده و قرار گرفتن امیری در لیست مازاد را به دخالت‌های هوادار متمول منتسب کرده‌اند که بعید است هاشمیان تحت تأثیر این مسائل قرار گرفته باشد.

علی اکبری: حالا حالاها مبارزه می‌کنم



بعد از اینکه فعالیت او با سازمان ONE دچار

مشکل شد، امیر علی اکبری با قراردادی راهی

سازمان ACA شد و اولین مسابقه خود را هم

در این سازمان برگزار کرد. مسابقه‌ای سخت

دشوار که با رسلوف داغستانی در خاک روسیه

برگزار شد. البته او عادت دارد که روس‌ها را

در خاک خودشان شکست بدهد. او قبلاً هم در

کشتی اعلان یک خوشتوف روس را در خاک

خودشان شکست داده و مدال طلای جهان را

به دست آورده بود. این بار اما مسابقه سخت

بود و چیزی به پایان نمانده بود که حریف را

تسلیم کرد. مبارزه او در این سازمان ادامه دارد.

تبریک می‌گویم، برد ارز ششمندی را کسب کردی.

خب مسابقه سخت و حساسی بود. همیشه اولین مسابقه‌ها مهم هستند.

کمی درباره این مسابقه توضیح می‌دهی؟

حریف قدرتمندی بود. رسلوف اهل داغستان است و داغستانی‌ها که مادرزاد فنون کشتی را بلد هستند. چندین بار در این

مسابقات به فینال رسیده و چندباری کمریند را برده و چند باری هم باخته ولی به نظر خوب مبارزه کردم و از شرایطی که داشتم راضی بودم. به هر حال چند وقتی بود از مبارزه دور بودم و این خیلی به من کمک کرد.

و البته حریف هم در خاک خودش مسابقه می‌داد.

بله رسلوف داغستانی است و ما در مسکو مسابقه را برگزار کردیم. این اولین مسابقه من در سازمان ACA بود. برای

تعیین رنگ ما هم خیلی مهم بود.

خیلی خوب بلد ی روس‌ها را در خاک خوشان شکست بدهی.

خب چند باری شکستشان داده‌ام.

ولی فک کنم مهمترین آنها سال ۲۰۱۰ در مسابقات کشتی فرنگی قهرمانی جهان بود.

سال ۲۰۱۰ خوشتوف روس را در فینال بردم که قهرمان المپیک پکن بود اما واقعاً این مسابقات رمزی اهمیت بیشتری

نسبت به کشتی دارد. هم چرخه مالی سستگین‌تری دارد، هم طرفدارانش الان با کشتی واقعاً قابل قیاس نیست.

الان با این برد چه شرایطی پیدا کردی؟

الان وارد رنگ شدم و فکر کنم با دو یا سه برد دیگر هم به کمریند برسم.

همیشه هدفم همین بوده که ببرم و بگیرم و باید ببینم چه پیش می‌آید. من تا توانم مبارزه می‌کنم.

شاید برای همه سؤال باشد که چرا از سازمان ONE جدا شدی؟

بعد از دو شکستی که داشتم چهار بار به طور متوالی در این سازمان پیروز شدم.

یک دهه ناکامی



✎ عرفان حمیدی – جدایی علی نظری جویباری شاید از دیدگاه هواداری اقدامی قابل قبول تلقی شود اما از بعدی دیگر یک شکست بزرگ برای مجموعه باشگاه استقلال به حساب می‌آید.

جدایی علی نظری جویباری شاید از دیدگاه هواداری اقدامی قابل قبول تلقی نشود اما از بعدی دیگر یک شکست بزرگ برای مجموعه باشگاه استقلال به حساب می‌آید. طی ۱۰ سال اخیر و شاید هم بیشتر، این باشگاه هرگز در ساختن مدیران جدید موفقیتی به دست نیاورده است. زمانی باشگاه استقلال به عنوان یک باشگاه پیشرو در پرورش مدیران فوتبالی به حساب می‌آمد که این وضعیت بی‌ارتباط با موفقیت‌های پی در پی در عرصه‌های گوناگون نبود. کاظم اولیایی، علی فتح‌الله‌زاده، محمدحسین قربب و واعظ آشتیانی در دورانی به عنوان مدیرانی صاحب سبک در فوتبال ایران شناخته می‌شدند که این اسامی سال‌ها در فوتبال ایران مورد توجه باشگاه‌ها بودند و هنوز نیز برخی از این اسامی قابلیت مدیریت در فوتبال ایران را دارند اما شگفتا که در یک‌دهه اخیر اغلب نام‌هایی که به عنوان مدیرعامل وارد چرخه مدیریتی در باشگاه استقلال شدند، به موفقیتی نرسیدند و تنها مدبری که توانست توفیقی به دست آورد، مصطفی آجورلو بود که استقلال در زمان مدیریتش موفق شد جام قهرمانی را به دست آورد که البته آجورلو نیز در دسته مدیران جدید فوتبال ایران به حساب نمی‌آمد و جزو همان گروهی است که حضورش در چرخه مدیریتی فوتبال ایران به دو دهه قبل بازمی‌گردد.

گرچه در یک‌دهه گذشته تصمیم‌گیران باشگاه استقلال کوشیدند با انتخاب افرادی که همچون این اسامی تجربه دارند، بار دیگر این باشگاه را به مدار موفقیت



فرشاد احمدزاده را رد کن و حید را نگه دار!

بحران پنهان تیم ملی

در فاصله کمتر از یک سال تا شروع رقابت‌های

جام جهانی ۲۰۲۶، وضعیت نه‌چندان مناسب

آمادسازی تیم ملی فوتبال ایران شرایط اردویی

تیم امیر قلعه‌نویی را تحت تأثیر قرار داده است. با

وجود عدم تمایل کادر فنی به حضور در تورنمنت

کافا، شرایط سخت فعلی کشور و در دسترس

نبودن رقبای تدارکاتی باکیفیت باعث شده تا تیم

ملی فوبسال ایران، هیچ گزینه‌ای بجز حضور در

تورنمنت کافا برای مسابقات ماه شهریور نداشته

باشد. تاکنون نیز مسابقه تدارکاتی دیگری بجز

دیدار با روسیه در ماه مهر قطعی نشده اما نگرانی‌ها

در خصوص شرایط تیم ملی، تنها محدود به شرایط

اردویی و آمادسازی تیم پیش از جام جهانی ۲۰۲۶ نیست؛ چرا که در حال حاضر بخش بزرگی از ترکیب تیم ملی، از آمادگی بالایی

برخوردار نیستند و این موضوع می‌تواند تأثیر منفی جدی‌ای روی تدارکات تیم ملی داشته باشد.

معمای جانشین بیرانوند

مسابقات تدارکاتی پیش از جام جهانی را از دست خواهد داد و معلوم نیست که امیر قلعه‌نویی، به کدام دروازه‌بان برای حضور در این ۷

مسابقه اعتماد می‌کند. سیدحسین حسینی و پیام نیازمند، بیشترین شانس را برای حضور در دروازه تیم ملی در غیاب بیرانوند دارند اما

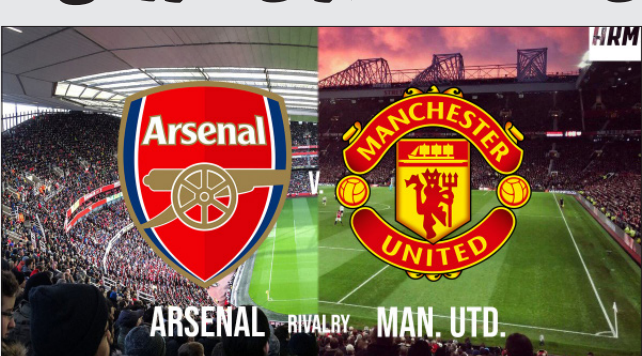
سؤال اینجاست که آیا تدارکات بدون حضور دروازه‌بان اصلی تیم ملی، می‌تواند قدم خوبی برای حضور قدرتمند در جام جهانی باشد؟

گزینه‌های محدود خط میانی

لیگ برتر ایران در حالی آغاز می‌شود که سه گزینه اصلی امیر قلعه‌نویی برای پست دفاع راست که روی آنها در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری شده، برای حضور ثابت در ترکیب تیم خود با چالش مواجهند. صادق جمری کار سختی برای حضور در ترکیب ثابت تراکتور با توجه به بازی‌های خوب دانیال اسماعیلی‌فر در فصل گذشته دارد و صالح حمدانی نیز در تیم استقلال، رامین رضاییان را جلوتر از خود می‌بیند. در بین نامزدهای حضور در ترکیب تیم ملی برای پست دفاع راست، آریا یوسفی تنها بازیکنی است که می‌توان حضور ثابت در ترکیب تیم باشگاهی‌اش را تضمین داد که او نیز تجربه ملی کافی را در طول مسابقات مقدماتی پیدا نکرده است.

در حالی که با صحبت‌های قلعه‌نویی باید پرونده بازگشت احمد نوراللهی به تیم ملی را بسته شده بدانیم، حالا مصدومیت محمد کریمی از ناحیه رباط صلیبی و غیبت شش ماهه او گزینه‌های تیم ملی در خط میانی را محدود کرده است. سعید عزت‌اللهی، محمد قربانی و سامان قدوس که هر سه شاغل در لیگ فوتبال امارات هستند، حالا تبدیل به تنها گزینه‌های قلعه‌نویی در خط میانی به عنوان هافبک تدافعی شده‌اند و این موضوع، کار تیم ملی ایران برای تغییر مثبت در سبک بازی تیم را دشوار می‌کند. بازیکنانی چون حسین‌نژاد و زراق نیز نیا در مسابقات اخیر، چندان نتوانسته‌اند رضایت قلعه‌نویی را جلب کنند و احتمالاً در طول یک سال آینده نیز شاهد حضور مهدی طارمی در خط میانی برای پر کردن جای خالی یک هافبک بازساز و مؤثر در ترکیب تیم ملی باشیم.

نبردی کلاسیک برای شروعی متفاوت



پیروزی در هفته نخست لیگ بیش از هر تیم دیگری در هفته ابتدایی لیگ برد را تجربه کرده است. نکته جالب اینکه یونایتد در فصل گذشته حتی یک بار نیز نتوانست در دو بازی متوالی لیگ برتری به پیروزی برسد اما با توجه به پیروزی مقابل استون ویلا در آخرین بازی فصل گذشته، آنها فرصت کسب دو پیروزی متوالی برای اولین بار از هفته اول فصل گذشته لیگ برتر انگلیس را دارند. آمار در تقابل‌های رودررو، نشان از برتری یونایتد دارد. شیاطین سرخ تنها در دو مسابقه از ۱۸ دیدار اخیر خانگی خود مقابل آرسنال متحمل شکست شده‌اند هرچند که هر دو شکست، به دوران حضور میکل آرتتا روی نیمکت آرسنال برمی‌گردد. به طور کلی یونایتد در ۲۴۳ مسابقه مقابل آرسنال، به ۹۹ برد رسیده و در صورت پیروزی می‌تواند به نخستین تیمی تبدیل شود که قرمزهای

شاید هیچ مسابقه‌ای مانند جدال دو تیم از بزرگان تاریخ فوتبال انگلیس در همان هفته اول رقابت‌ها، نمی‌توانست تب فصل جدید و سخت لیگ برتر انگلیس را از همان هفته اول داغ کند. رقبای دیرینه‌ای که بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴ در دل رقابت‌های خصمانه و پرماجرای خود لیگ برتر انگلیس را تحت سلطه خود درآورده بودند، حالا پس از یک فصل ناموفق و سخت در اولین مسابقه فصل به مصاف هم می‌روند؛ منچستر یونایتد و آرسنال. هر دو تیم با امید به فصلی بهتر و شیرین‌تر، یا به این مسابقه می‌گذارند؛ یونایتد که بدترین عملکرد لیگ برتری خود را با حضور در رتبه پانزدهم و ناکامی در قهرمانی لیگ اروپا پشت سر گذاشت، به دنبال پاک کردن خاطرات تلخ فصل گذشته خواهد بود و آرسنال نیز بعد از سومین نایب قهرمانی متوالی، چارم‌ای جز فتح جام در فصل پیش رو نخواهد داشت. توپچی‌هایی که در این فصل، صدمین حضور متوالی خود در بالاترین سطح فوتبال انگلستان را تجربه خواهند کرد. آمار در مسابقات ابتدایی فصل، خبرهای خوشی برای توپچی‌ها دارند. بجز شکست مقابل برنتفورد در سال ۲۰۲۱، این تیم در پنج مسابقه از شش مسابقه قبلی خود در هفته نخست لیگ از جمله در سه فصل اخیر به پیروزی رسیده است و تنها در حد فاصل فصول ۲۰۰۲-۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶-۲۰۰۵ با شکست پنج پیروزی در هفته‌های نخست، عملکرد بهتری را به ثبت رسانده است. همچنین شکست‌ناپذیری در ۱۴ بازی متوالی خارج از خانه لیگ برتری، نشان می‌دهد که نباید برگزاری بازی در اولدترافورد را دلیلی برای شانس بالاتر یونایتد نسبت به آرسنال دانست. روبسن آموریم و شاگردانش اما پس از یک فصل تلخ، به دنبال اعداده حیثیت، بازسازی اصولی تیم، نتایج بهتر و خلق یک شکفتی در هفته نخست هستند. یونایتد که سخت‌ترین برنامه بازی بین تیم‌های لیگ برتر در ۵ بازی ابتدایی فصل را دارد، با ۲۲

● دلار ۹۳٫۴۰۰ ● یورو ۱۰۸٫۸۲۰ ● پوند ۱۲۵٫۴۸۰ ● درهم ۲۵٫۵۵۰ ● لیر ۲۰٫۳۰۰ ● سکه ۸۵٫۴۵۰٫۰۰۰ ● سکه بهار آزادی ۷۶٫۶۱۰٫۰۰۰ ● نیم سکه ۴۵٫۲۰۰٫۰۰۰ ● ربع سکه ۲۶٫۷۴۰٫۰۰۰ ● سکه گرمی ۱۴٫۸۰۰٫۰۰۰ ● طلای ۱۸ عیار ۷٫۵۹۰٫۰۰۰ ● طلای ۲۴ عیار ۱۰٫۱۰۰٫۰۰۰ ●

روزنامه **دراقتصاد** فصلی-دانش
یکشنبه ۲۶ مرداد ماه ۱۴۰۴ شماره ۷۴۱
www.marzeghtesad.ir

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین

مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی

چاپ: جام جم

آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶

تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰

گستره توزیع : سراسری

شرکت توزیع : نشر گستر

کاهش فروش با تبلیغ «ژن خوب»

سنجیده انجام شده باشد؛ موضوعی که درباره یکی از برندهای شلوار آن‌طور که باید مورد توجه قرار نگرفت و این کار برای آن برند گران تمام شد. البته نقش چهره‌های نه‌چندان استفاده از شخصیت‌های معروف هنری و ورزشی برای تبلیغات کالاهای تجاری از جمله پوشاک شیوه‌ای متداول در دنیا می‌د است، به ویژه اگر با شعارهای تبلیغاتی مناسب و تبلیغ بودن آن افزود. در هفته‌های گذشته تبلیغ نژادپرستانه برند نزدیک به ۱۰ درصد کاهش یابد.

است. شاید همین تناقض باعث شده شهرداری تهران، ناگهان و بدون هماهنگی با مرجع عالیه، یعنی وزارت راه و شهرسازی، مسیر جدیدی را پیش‌پای مالکان زمین و سازنده‌ها قرار دهد. از یک‌سو، در بند ۸ ماده ۱۵ قانون نظام مهندسی ساختمان آمده است که «سازمان نظام مهندسی باید به مراجع مسوول در بخش ساختمان، برای ارجاع مناسب کارها به صاحبان صلاحیت، کمک کند»؛ در این بند از واژه کمک استفاده کرده و به صراحت، نگفته که «سازمان نظام مهندسی باید مستقیم مهندس‌ناظر را انتخاب و کار را به او ارجاع دهد»؛ اما در مقابل، در ماده ۷۳ و ماده ۲۴ آیین‌نامه اجرایی همین قانون، به صراحت قید شده که «ناظر باید توسط سازمان نظام مهندسی ساختمان انتخاب شود»؛ همچنین در بند ۱۶-۲ و بند ۲-۵-۴ میحث دوم مقررات ملی ساختمان نیز آمده است که «ناظر باید توسط سازمان نظام مهندسی انتخاب و به مالک معرفی شود و مالک باید اسم مهندس را به شهرداری ارائه کند و سپس شهرداری مجاز است پروانه‌ساختمانی برای مالک صادر کند»

این تناقض بین «متن قانون نظام مهندسی» از یک‌سو و «آیین‌نامه اجرایی آن و میحث دوم مقررات ملی ساختمان» از سوی دیگر، شکافی قانونی به وجود آورده است که حالا شاهد ورود مدیریت شهری تهران به این شکاف برای «به هم‌زدن مسیری که تاکنون برای ارجاع کار به مهندسان‌ناظر برقرار بوده» هستیم. قانون‌گذار در تدوین آیین‌نامه قانون نظام مهندسی ساختمان بااین هدف که «پایدار سمت حاکمیت، کیفیت ساخت‌وساز برای تضمین ایمنی و امنیت بهره‌برداران (مردم) کنترل و پایش شود، اختیار انتخاب مهندس‌ناظر را به سازمان نظام مهندسی داده است.» مدافعان این قانون می‌گویند «اگر مالک زمین، سازنده‌ها را خودش و مهندس‌ناظر را هم خودش انتخاب کند، احتمال تبانی هر سه برای عبور از ضوابط و مقررات ساختمانی وجود دارد و این به زین مصرف‌کننده است.»

اما در مقابل این نظریه، این موضوع مطرح است که «مالک حق دارد وقتی سازنده را انتخاب می‌کند، یک تیم مهندس ناظر هم بالای سر سازنده بگذارد تا از بابت رعایت مقررات ساخت توسط سازنده، اطمینان حاصل کند. در این میان، شهرداری چون مسوول صدور پایان‌کار ساختمان است و در قانون نظام مهندسی ساختمان، مسوول کنترل کیفیت ساخت تعیین شده است، می‌تواند نظارت حاکمیتی برای حفظ منافع مصرف‌کننده را داشته باشد و از روند ساخت‌وساز بازدید کند و تذکرات یا اعمال مقررات لازم را برای سازنده و مهندس‌ناظر انتخابی مالک، انجام دهد.»

از طرف دیگر، «تناقض دومی» در قانون و مقررات ساختمانی وجود دارد که احتمالاً شهرداری به استناد همین موضوع دومی، «حق انتخاب مهندس‌ناظر را از سازمان نظام مهندسی سلب کرده و به سازنده‌ها و مالکان داده است.» در بند چ ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون پیش‌فروش ساختمان مصوب سال ۹۳، آمده است که مالک یا پیش‌فروشنده می‌تواند مهندس‌ناظر را به شهرداری معرفی کند. این ماده البته برای پروژه‌هایی است که پیش‌فروش می‌شود. اما با این حال، قانونی است که سال‌ها بعداز قانون نظام مهندسی ساختمان تصویب و ابلاغ شده و می‌تواند جایگزین قانون قبلی شود. اما برای همین موضوع نیز لازم است از منظر حقوقی و برای روشن‌شدن تکلیف سرمایه‌گذاران ساختمانی، وزارت راه‌وشهرسازی «نظر عالیه» ارائه کند.

با این حال دو طرف یعنی شهرداری و وزارت راه و شهرسازی نسبت به منشأ قانونی مسیر قبلی و مسیر جدید سکوت کرده‌اند، این وسط، برخی دیگر از نهادهای مسوول در مارتن مجوزهایی که در نهایت باید به صدور پروانه ساختمانی ختم شود، موضع‌گیری‌های مختلفی درباره مسیر جدید انتخاب مهندس‌ناظر اتخاذ می‌کنند و سازنده‌ها نیز در عین حالی که جمع زیادی از آنها، از مسیر جدید اعلام رضایت می‌کنند اما همگی سرگردان هستند.

واکنش باز یگران بازار ساخت‌وساز به «تغییر مسیر صدور مجوز»

مسیر جدیدی که شهرداری تهران برای «انتخاب مهندس‌ناظر برای پروژه ساختمانی» تعریف کرده و عملاً سازمان نظام مهندسی را از انتخاب مهندس حذف و به جای آن، مالکان و سازنده‌ها را نشانده است، عملاً مسیر صدور پروانه ساختمانی را تغییر داده است.

تا قبل از تیرماه، روال این بود که پروانه ساختمانی بعد از معرفی مهندس‌ناظر از سوی سازمان نظام مهندسی، برای متقاضی پروانه صادر می‌شد اما در حال حاضر، شهرداری به محض اینکه فرد متقاضی ساخت، خودش مهندس‌ناظر مطلوب خودش را به شهرداری تهران معرفی کند، پروانه ساخت برای او صادر می‌شود. گروهی از فعالان ساختمانی که سال‌ها «مخالف توزیع سهمیه مهندس‌ناظر توسط سازمان نظام مهندسی» بودند، از مسیر جدید استقبال کرده‌اند. این گروه در سال‌های اخیر که «مهندس‌ناظر از سمت سازمان به سازنده تحویل می‌شد»، سه ایراد متوجه این مدل نظارت می‌دانستند.

ایراد اول مشکلاّتی همچون «فرآیند طولانی ارجاع کار به مهندس ناظر و طولانی‌شدن پروسه صدور مجوز سرمایه‌گذاری ساختمانی و تحمیل تورم ساخت به پروژه» و همچنین «شفاف‌نبودن نحوه‌انتخاب مهندس‌ناظر، واگذاری کارهای بزرگ به افرادی که اگر در فضای رقابتی قرار می‌گرفتند احتمالاً نمی‌توانستند به چنین نظارت‌هایی دست پیدا کنند، نبود عدالت در ارجاع کار بین همه مهندسان» و مسائل مرتبط با آن است. ایراد دوم اما شکل‌گیری فضای «ضد رقابتی» در ارائه خدمات بهتر و باکیفیت از سمت مهندسان است. وقتی سازنده خودش بتواند از بازار خدمات مهندس‌ناظر، فرد مورد نظر خود را انتخاب کند، بین عوامل خدمات‌دهنده هم از منظر قیمت و هم از نظر کیفیت کار، رقابت شکل می‌گیرد اما «اعزام مهندس به پروژه‌ها به جای انتخاب مهندس توسط صاحبان پروژه‌ها»، ضد رقابت ارزیابی می‌شود. ایراد سوم نیز «ناموفق بودن تضمین کیفیت ساخت» طی سال‌های اخیر است. ساختمان‌هایی نوساز وجود دارد که به محض «شروع بهره‌برداری توسط خاورانه‌ا»، بخش‌های پنهان سازه دچار «قص، اشکال، حادثه» و در نهایت «اسبب و خسارت اقتصادی» به خریدارانش شده است. به این ترتیب، هدف نهایی «انتخاب مهندس‌ناظر توسط سازمان» که قرار بود، تضمین کامل ایمنی و کیفیت ساخت باشد، محل شکست یافته است.

گروه دیگری از سازنده‌ها، واکنش دومی به مسیر جدید انتخاب مهندس‌ناظر نشان داده‌اند. این گروه البته شبیه گروه اول، از «حذف سازمان نظام مهندسی از مسیر انتخاب مهندس‌ناظر» استقبال می‌کند اما معتقد است «شهرداری باید تیم‌های بازرسی» به پروژه‌های ساختمانی اعزام کند و «کنترل مسوولیت مهندس‌ناظری که سازنده خودش انتخاب کرده» را برعهده بگیرد. در این گروه، به عملکرد سازمان استاندارد در حوزه تولیدات صنعتی اشاره دارد که به شکل مرتب، کیفیت تولیدات کارخانه‌ای را مورد پایش قرار می‌دهد و مثلاً اگر خودرو سازی، مقرراتی که به نفع مصرف‌کننده است را رعایت نکند، اجازه شماره گذاری به آن خودرو را نمی‌دهد. با این حال، گروه اول سازنده‌ها در پاسخ به این گروه می‌گویند: شهرداری تهران عملاً در فرآیند صدور پایان‌کار، تمام مسوولیت‌های مجری ساختمان و مهندس‌ناظر که هر دو توسط مالک انتخاب شده‌اند را کنترل می‌کند و این مسوولیت همین الان هم وجود دارد.



تناقض در قانون و مقررات ساختمانی برمی‌گردد. یکی از اشکالات ریشه‌ای در همین قانون مادر ساخت‌وساز، یعنی قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، «تناقض در تعیین مسوولیت سازمان نظام مهندسی برای ارجاع کار به مهندس‌ناظر» است.



زیر پوست «بلبشو» در ساخت‌وساز

مر تفضی اکبری -۵۵روز پیش، شهرداری تهران نامه‌ای ۲صفحه‌ای تحت عنوان «صور تجلسه شهرداران مناطق ۲۲گانه» که حاوی ۱۲ تصمیم جدید در حوزه صدور پروانه ساختمانی بود.

۵۵روز پیش، شهرداری تهران نامه‌ای ۲صفحه‌ای تحت عنوان «صور تجلسه شهرداران مناطق ۲۲ گانه» که حاوی ۱۲ تصمیم جدید در حوزه صدور پروانه ساختمانی بود را با هدف «تسهیل شرایط ساخت‌وساز به خاطر شرایط خاص ناشی از جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی»، به کلیه شهرداری‌های مناطق ابلاغ کرده‌این ابلاغیه علاوه بر «مجوز ویژه برای تغییر کاربری و افزایش تراکم ساختمانی»، یک بند (بند ۱) داشت که براساس آن، «سازمان نظام مهندسی ساختمان از مسیر معرفی مهندس ناظر به شهرداری، حذف و به جای این نهاد، اختیار انتخاب مهندس به مالکان واگذار شد».

این ابلاغیه اگرچه مورد توجه و استقبال گروه وسیعی از سرمایه‌گذاران ساختمانی به خاطر «نجات از صف پرحاشیه دریافت سهمیه مهندس» واقع شده اما حواشی آن، فعلاً بیشتر است به طوری که در این مدت، یک «اختلافات گسترده بین سیاستگذاران حوزه ساخت و ساز و مراجع صدور مجوزهای ریز و درشت برای سازنده‌ها و سرمایه‌گذاران ساختمانی» بر سر این تغییر مسیر به وجود آمده و نتیجه‌اش، تا این لحظه «سرگردانی بازیگران اصلی بازار ساخت‌وساز در اوضاع درهم و برهم فرآیند دسترسی به مهندس‌ناظر و پروانه‌ساختمانی برای شروع سرمایه‌گذاری» بوده است.

شهرداری تهران در ابلاغیه یک‌مهر ماه خود، با اشاره به اینکه «سال ۹۹ بین شهرداری تهران و سازمان نظام مهندسی ساختمان تهران توافق شد حداکثر ظرف مدت ۶روز، مهندس‌ناظر مدنظر سازمان به سازنده متقاضی دریافت پروانه‌ساختمانی معرفی شود»، از عدم رعایت این توافق برای دسترسی سریع سازنده‌ها به مهندس‌ناظر، نوشته است و سپس به شهرداری‌های مناطق اجازه داده «برای سازنده‌هایی که خودشان، بدون مراجعه به سازمان نظام مهندسی، فردی را به عنوان مهندس‌ناظر از بازار خدمات مهندسی انتخاب و به شهرداری معرفی می‌کنند، پروانه ساختمانی صادر کنند».

در متن قانون نظام مهندسی ساختمان مصوبه دهه ۷۰، ماده‌ای دال بر «معرفی مهندس ناظر توسط سازمان نظام مهندسی» دیده نمی‌شود بلکه در بند ۸ ماده ۱۵ این قانون صرفاً «به ضرورت کمک سازمان نظام مهندسی به پروسه ارجاع کار به افراد با صلاحیت» اشاره شده است. با این حال، در آیین‌نامه اجرایی همین قانون دو ماده درج شده است که هم‌راستا با دو بند از میحث دوم مقررات ملی ساختمان، می‌گویند: «مسوولیت معرفی مهندس ناظر به شهرداری، با سازمان نظام مهندسی است به طوری که ناظر باید توسط سازمان انتخاب و به مالکان متقاضی ساخت‌وساز معرفی شود تا مالکان، فرد مهندسی که سازمان ارجاع داده است را به شهرداری معرفی کنند و در نهایت، شهرداری برای مالکان پروانه ساختمانی صادر کند»؛ اکنون «عبور شهرداری تهران از مفاد آیین‌نامه قانون نظام مهندسی و میحث دوم مقررات ملی»، با واکنش‌های مخالفان این تصمیم روبه‌رو شده و در مقابل، موافقان تصمیم ابلاغی شهرداری نیز برابر گروه اول (مخالفان) صف‌آرایی کرده‌اند.

زمین ز کوفته‌ده بازار ساخت‌وسازهای مسکونی در تهران، از قبل هم یخ‌زده‌تر شده است. تقابل موافقان و مخالفان «مسیر جدید انتخاب مهندس ناظر و در نهایت مسیر جدید صدور پروانه ساختمانی» تر کبیی از فعالان ساختمانی، کارشناسان صنعت ساختمان و البته، نهادهایی مثل شهرداری و نظام مهندسی و بخش‌هایی از وزارت راه و شهرسازی است که ماحصل آن، «سرگردان‌شدن سازنده‌ها و تردید آنها برای ورود به مسیر جدید از ترس نامشخص‌بودن انتهای مسیر» است. این شرایط، اگر ادامه یابد، رکود ساختمانی

اینفوگرافیک



دو فیلم سینمایی «پیر پسر» و «مرد عیبکی» از زمان اکران روی پرده سینما تا صبح امروز، عنوان پرفروش‌ترین فیلم‌ها را برای خود ثبت کرده‌اند.

همچنین در طول یک هفته گذشته چهار فیلم سینمایی روی پرده نیز آمار پرفروش‌ترین‌های هفته گذشته را از آن خود کردند. به دلیل وقوع جنگ تحمیلی ۱۲روزه در کشور، آمار فیلم‌های گیشه از ۱۰ هفته گذشته یعنی (۱۷خرداد ۱۴۰۴) تا کنون در نظر گرفته شده است.



کارتون



تیم فوتبال پرسپولیس

مرکوردشکنی بیت کوین

ورود رمزارها به حساب‌های بانزنسنگی، استقبال گسترده شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران و همچنین سیاست‌ها و حمایت‌های دونالد ترامپ از بازار کریپتو را باید از دلایل این رشد دانست. بیت‌کوین رمسراز محبوب جهانی، بار دیگر تحت تاثیر تحولات سیاسی و اقتصادی ایالات متحده دچار نوسانات قیمتی شد و روز پنج‌شنبه به اوج تاریخی خود رسیدند. بیت‌کوین از ابتدای سال جاری تاکنون رشدی ۳۲ درصدی را تجربه کرده و برای نخستین بار توانست کانال ۱۲۴ هزار دلاری را پشت سر بگذارد. اتریوم نیز از این روند بی‌نصیب نماند و از ابتدای سال ۲۰۲۵ تاکنون افزایش ۵۱ درصدی را ثبت کرده و به بالای ۴۷۰۰ دلار رسید. این روند نه تنها به دلیل استقبال گسترده شرکت‌های بزرگ و سرمایه‌گذاران نهادی است، بلکه سیاست‌ها و حمایت‌های دولت آمریکا نیز نقش مهمی در تقویت این موج داشته‌اند. درحالی‌که برخی کارشناسان نگران نوسانات بازار هستند، بسیاری دیگر بیت‌کوین را به عنوان یک شاخص جدید برای سنجش ریسک‌پذیری و جذایت سرمایه‌گذاری در بازارهای مالی می‌بینند.

چرایی رکورد بیت‌کوین

بیت‌کوین و اتریوم بار دیگر در مسیر صعودی قرار گرفتند در بازار رمزارها را تحت تاثیر خود قرار دادند. انتظارات برای سیاست پولی آسان‌تر و تحولات مثبت در مقررات مالی باعث شده سرمایه‌گذاران اعتماد بیشتری به این دارایی‌ها پیدا کنند.

تحلیلگران می‌گویند رشد بیت‌کوین و اتریوم نه تنها ناشی از خریدهای مداوم موسسات مالی است، بلکه اقدامات دولت برای تسهیل سرمایه‌گذاری در دارایی‌های دیجیتال نیز نقش مهمی داشته است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این روند صعودی می‌تواند ادامه یابد و رشد قابل‌توجه‌تری در راه باشد.

با تغییرات مقرراتی اخیر، بازار رمزارها حالا محیطی مثبت‌تر برای سرمایه‌گذاران پیدا کرده است. ورود رمزارها به حساب‌های بانزنسنگی، فرصت‌های تازه‌ای برای مدیران دارایی ایجاد کرده و نشان می‌دهد این بازار بیش از گذشته در مرکز توجه قرار دارد. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که نوسانات همچنان بالا است و سرمایه‌گذاران باید با دقت و احتیاط عمل کنند. به دنبال این تحولات، ارزش کل بازار رمزارها به بیش از ۴٫۱۸ تریلیون دلار افزایش یافته است، درحالی‌که چند ماه قبل این رقم حدود ۲٫۵ تریلیون دلار بود. فرمان اجرایی جدید دولت آمریکا دسترسی به دارایی‌های دیجیتال را در حساب‌های بانزنسنگی(K) ۴۰۱ آسان‌تر کرده و می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای برای مدیران دارایی بزرگ، فراهم کند. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که نوسانات این بازار همچنان بالااست و سرمایه‌گذاران باید جانب احتیاط را رعایت کنند. کارشناسان معتقدند ترکیبی از خریدهای گسترده شرکت‌ها و حمایت‌های دولتی عامل اصلی این افزایش قیمت بوده است. «اندرو پیس»، مدیر سرمایه‌گذاری آسیا-پاسفیک در شرکت Russell Investments. بیت‌کوین را به «سنخ‌های پیشرفته‌ای شاخص نزدک» تشبیه کرده و تاکید می‌کند که این دارایی دیجیتال اکنون به یک معیار مهم برای سنجش ریسک‌پذیری در بازارهای مالی تبدیل شده است. یکی از محرک‌های اصلی این رشد، فعالیت شرکت‌های «خرانه‌داری بیت‌کوین» است. این شرکت‌ها، به‌ویژه شرکت «Strategy» به رهبری مایکل سیلور، برای خرید بیت‌کوین و دیگر رمزارها از ترکیبی از بدهی و سهام استفاده می‌کنند. در حال حاضر، حدود ۱۶۵ شرکت عمومی در جهان بخشی از دارایی‌های خود را به بیت‌کوین اختصاص داده‌اند. خریدهای گسترده این شرکت‌ها یک حلقه بازخورد مثبت ایجاد کرده و باعث شده بازار بیت‌کوین از یک تجربه نوآورانه سرمایه‌گذاری، به یک منبع ساختاری فشار خرید تبدیل شود.

در کنار نقش شرکت‌ها، حمایت‌های دولتی نیز زمینه رشد قیمت بیت‌کوین را فراهم کرده است. فرمان اجرایی رئیس‌جمهور وقت، دونالد ترامپ، اجازه داد برنامه‌های بانزنسنگی آمریکا بتوانند در دارایی‌های جایگزین از جمله رمزارها سرمایه‌گذاری کنند. این تصمیم مسسیر وودو گسترده سرمایه موسسات بزرگ به بازار کریپتو را هموار کرد و تقاضا برای بیت‌کوین و دیگر رمزارها را افزایش داد.

رشد اخیر بیت‌کوین همچنین همزمان با عرضه اولیه موفق سهام صرافی رمزاری «Bullish» در بورس نیویورک رخ داد. این صرافی که توسطمیلارد تکنولوسوی، پیتل، حمایت می‌شود، توانست ۱٫۱میلیارد دلار سرمایه جذب کند و قیمت سهام آن با افزایش قابل‌توجهی روبه‌رو شد.

این موفقیت نشان‌دهنده اعتماد شدید سرمایه‌گذاران به بازار رمزارها و پتانسیل بالای شرکت‌های فعال در این حوزه است. البته ناگفته نماند که انتشار داده‌های تورمی آمریکا باعث شد تحلیلگران دیدگاه‌های متعددی ارائه کنند و در پی آن، نوسانات قیمتی بیت‌کوین و اتریوم افزایش یابد. این روند موجب عقبگرد هر دو دارایی از رکوردهای قبلی خود شد.